

ریشه های

اقتصادی - سیاسی

بحران مسکن

از نشریه گزارش به خلق

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

همراه با :

گفتارها از صدای انقلاب

فهرست

-
- ۱ ریشه های اقتصادی - سیاسی بحران مسکن
۵۱ درباره نقش دانشجویان و روشنفکران در مبارزات اجتماعی
۶۱ درباره مبارزات توده ای اخیر
۷۴ درباره بودجه سال جاری دولت
۸۲ درباره اختلافات درونی طبقه حاکمه (۱)
۹۰ درباره اختلافات درونی طبقه حاکمه (۲)
در باره توطئه های رژیم برای به بند کشیدن مبارزات توده ها

تکمیل از : شورای عمومی دانشجویان ایرانی

اکتبر ۱۹۷۸

((توضیح))

۱ - مقاله ریشه های اقتصادی - سیاسی بحران مسکن
بایرداختن به یکی از معضلات مهم اجتماعی موجود در ایران
تحلیل جامع ولی مختصری را عرضه کرده است که مطالعه آن می-
تواند برای شناخت این مسئله بسیار موثر واقع شود . بدین خاطر
ما با تشخیص ضرورت مطالعه وسیع آن ، در اینجا اقدام به تکثیر
آن مینمائیم .

اکنون که مدتی از تاریخ انتشار این مقاله میگذرد ، سیر حوادث
و تکامل جریانات امکان بررسی و قضاوت دقیقتری را در مورد
ارزیابی های موجود در این مقاله بدست میدهد .
متأسفانه نسخه ای که در اختیار ما قرار داشت ، کاملاً خوانا نبود
و بدینجهت احتمال دارد در چاپ آن در بعضی موارد اشتباه-
هائی موجود باشد . ماگوشش نمودیم در مواردی که کلمات خوانا
نبودند ، کلماتی را که در محتوای جمله تغییری ندهند بجای آنها
قرار دهیم . چنین مواردی با قرارداده شدن در داخل پاراتنز
مشخص شده اند . قسمتهائی که با چند نقطه مشخص شده اند
کلماتشان در متن اصلی افتاده است .

۲- در بخش گفتارهایی از صدای انقلاب، چند گفتار از سلسله گفتارهایی که همه هفته در روزهای دوشنبه و چهارشنبه و جمعه از رادیوی صدای انقلاب عمان پخش میشود آورده شده است. باید اضافه کنیم که گفتارهای متعدد دیگری نیز در دست است که متأسفانه در اینجا به علت اشکالات فنی امکان چاپ آنها موجود نیست. ما کوشش خواهیم نمود در صورت امکان در آئینده ای نزدیک اقدام به تکثیر بقیه آنها نیز بنمائیم و از خوانندگان می‌خواهیم که خود با کوشش دادن به صدای انقلاب عمان این سلسله گفتارها را دنبال نمایند.

شورای عمومی

ریشه های اقتصادی، سیاسی بحران مسکن

"از نشریه گزارش به خلق، از انتشارات سازمان مجاهدین

خلق ایران"

بار دیگر آتش گرم مبارزات توده های زحمتکش ما، از زیر خاکستر سالها فتنار و سرکوب و توطئه سکوت وسیع زیانه کشیده، و اینبار کانون این آتش در قلب محلات غبار گرفته و بیابانهای سوخته از آفتاب تند حاشیه جنوب، جنوب غربی و شرق تهران قرار داشت. همواره در میان ستونهای از غبار و جوهرهای پر از لجن در میان ولوله زنها ی چهره سوخته، پینه بدست و ازدهام کرده در کناره، گوشه، پرت افتاده های در محل، در میان سر نیزه و برق تیغه های تیز بولدوزرها و سپس برق چشمان خشمگین که از همه تندتر بود، شعله ها اینطور برمی خاست. شعله ها از چشمانی برمی خاست که شاهد فرو ریختن کاخ - آرزوهای خود، شاهد فرو کویده شدن زندگی و هستی خود، یعنی چهار دیواری محقری بودند که پس از تحمل سالها رنج و درد و با هزاران بیم و هراس توانسته بودند برای آسایش

خود برپا سازند . و براستی آواره گیهای رنجبران و زحمتکشان
 بخاطر چیست ؟ مگر نه اینکه آنها در نظام استثمارگرانه حاکم
 حتی از داشتن يك سرپناه محقر ، يا يك چهار دیواری کوچک
 محروم هستند ؟ وقتی قرار باشد که مزد پانزده حتی بیست -
 روز يك کا رگر برای اجاره اتاق محقری در جنوبی ترین و کثیف
 ترین محلات تهران داده شود ، وقتی در بدی چنـد
 کودک قد ونیم قد کار را به استخوان برساند ، آنوقت بنا کردن
 يك سر پناه محقر در بیابانهای سوخته حاشیه شهر
 آرزویی میشود که دست نیافتنی است . در اینجا رفقای مجاهد
 سپس از مبارزه مردم زحمتکش خارج از محدوده که گزارشهای
 مفصلي در نشریه گزارش به خلق آمده است صحبت میکنند .
 مبارزه جانانه ای که بحق به مبارزات قهرمانه مردم خارج از -
 محدوده معروف شد . . . مبارزه ای که مردم خارج از محدوده
 تهران برای بدست آوردن حقوق اولیه خود ، یعنی حق داشتن
 يك سر پناه فارغ از هر گونه تعدی و سرکوب دولتی آغاز کردند
 تا به مدد اتحاد با یکدیگر و پیگیری و همبستگی خود ، دولت

شاه خائن را مجبور به عقب نشینی کردند . این مبارزه ای بود که در ارکان قدرت دولتی و در بطن هیئت حاکمه شکاف انداخت و جناح بندی شدیداً موجود در آنرا به بارزترین شکلی بنمایش درآورد . مردم خارج از محدوده در جریان مبارزه خود متشکل میشوند و هر روز تاکتیکهای جدیدتری از مبارزه را کشف میکنند به موقع حمله میکنند و بموقع دست به دفاع میزدند . هم مقاومت منفی و خوابیدن در زیر بولد زرها وجود داشت و هم حمله با ... و آتش زدن بمسائل تخریبیه و بالاخره درست در همان موقعی که ضروری بود ، صحنه مبارزه به میز مذاکره کشانده میشد و تازه بعد از پیروزی خام و گول خورده نمیشدند و هیچ گاه ضرورت آمادگی روحی و رزقی خود را برای حمله دشمن و مقابله مجدد فراموش نمیکردند . همانطور که اگر شکست میخوردند ، امید به ساختن و مبارزه را از دست نمیدادند با این وصف باید توجه کرد که مبارزات مردم خارج از محدوده تازه گوشه کوچکی از - مبارزه زحمتکشان مادر ... امر مسکن و گوشه باز هم کوچکتري از مبارزه کلی تمام زحمتکشان ایران برای نان ، مسکن ، و آزادی

است. زیرا بسیاری از کارگران و مردم زحمتکش ایران حتی از داشتن تکه زمینی در بیابان اطراف تهران محرومند. چه رسد به آنکه بخواهند در سودای ساختن خانه و درگیر و در مبارزه با دولت در امر ساختن خانه های خارج از محدوده باشند. البته آنها کاملاً از این مبارزات پشیمانی کرده و آنرا مستقیماً به نفع خود و در جهت ارزان شدن میزان سرسام آور اجاره - خانه میدانند. با این وصف روشن است که مبارزه و خشم نهفته و آشکار آنها یعنی این عده کثیر مرکب از هزاران هزار توده های زحمتکش شهری که دارای هیچ گونه مالکیتی نیستند به هیچ وجه در این جریانات منعکس نیست. همانطور که وضع فلاکت بار میلیونها دهقان فقیر و یارنده شده از زمین، فشار وارد بر هزاران کارگر کشاورزی، وضعیت سخت و تحمل ناپذیر زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش شهری، و خفقان و فشار حکومت پلیسی بر جامعه و بر توده ها و دیگر عواملی که ایران امروز را در آستانه انقلاب و شورش توده ای قرار داده اند، همگی مطالبی هستند که در اینجا مورد بحث قرار نگرفته اند. بنابراین خواننده این

سطور برای درك حقیقت ماجرا، مآجرائی که به زبان بهتر و رسا-
 تر بیان ماجرای انقلاب بزرگ ایران است، ناگزیر باید به این -
 حقایق و این مبارزات پرنور توده های زحمتکش مردم خارج از
 محدوده به عنوان نشانه و علامت کاملاً روشن از نزد يك بودن -
 انقلاب و رسیدن لحظه های مناسب اوجگیری جنبش توده های -
 نگاه کنند و نه بعنوان يك مبارزه* قسمتی و موضعی و نه يك
 مبارزه* عادی و رپروسه* طبیعی و کمی رشد تضاد های اجتماعی
 و مبارزه* به چنین مبارزاتی باید، مبارزه* میلیونها -
 توده* زحمتکش شهر و روستا، مبارزه* هزاران هزار روشنفکر
 و زحمتکش را که برای بدست آوردن اولین حقوق لازم يك زندگی
 طبیعی، برای بدست آوردن آزادی و حق زندگی آزاد و قارغ
 از هر گونه جور و ستم پلیسی و غارتگرانه* . . . امپریالیستی
 ، حق تامین حداقلی از شرائط مادی زندگی غذا، مسکن و غیره
 در جریان است، و هرروز اوج و توان تازه ای میباید اجزافه کرد .
 آنگاه و در نگرش از چنین چهارچوب وسیع تری به مسئله است
 که مبارزات مردم خارج از محدوده* شهر تهران معنای حقیقی

خود را بعنوان یکی از روشنترین علائم نزدیک بودن انقلاب -

اجتماعی ایران بازخواهد یافت.

در مورد مسئله مسکن

این مسئله همانطور که تا انداره ای اشاره رفت، پیچیده

تر و حادث تر از مسئله ساکنان خارج از محدوده است. ریشه -

این مسئله که امروز دست به دست عوامل دیگر بنای اقتصاد -

بیمار رژیم را چون موربانه ای ازین میخورد، و تنب و بحران -

ناشی از آن از یکسو در مبارزه حاد و پایای هزاران هزار

مردمی که مستقیماً فشار آنها تحمل می کنند و از طرف دیگر در

شدید اختلافات درونی هیئت حاکمه و تزلزل موقعیت سیاسی

باند شاه منعکس شده است و اساساً بر ذات همین رژیم و در -

بطن منافع بالاترین بخش (دستگاه) طبقه حاکمه، یعنی

دارو دسته شاه و دربار و معدودی از سرمایه داران شریک

او نهفته است و واضح است که نظام سرمایه داری همواره با تمایل

گریز ناپذیر سلب مالکیت از تولید کنندگان و مالکین خرد و متقابلاً

تمرکز همه آنها در دست معدودی از بزرگترین ... سرمایه -

داران و مؤسسات بزرگ مالی و صنعتی همراه است. زمین نیز به عنوان يك منبع طبیعی ثروت یا يك وسیله تولید ارزشهای ... از این قاعده مستثنی نیست. به علاوه زمین بعنوان يك کالا نیز مورد مبادله و انحصار یا عملیات احتکاری قرار گرفته و قیمت آن بر حسب میزان بهره دهی یا میزان سرمایه گذاری در آن، درجه انحصار، میزان تقاضا و غیره تعیین میشود. پروسه جدیدی که در سلب مالکیت از دهقانان خرده پای ایران آغاز شده است و بورژوازی حاکم، آگاهانه برای تسریع آن برنامه ریزی میکند، بخوبی موید این حقیقت است. زمینهای شهری نیز - با احتساب شرایط مشمول همین هدف میشوند - زیرا مالکیت - انحصاری و احتکار مقداری هر چه وسیعتری از زمینهای مرغوب شهری در دست بزرگترین بورژواها و ملاکین شهری که اساسا جزو باند غارتگر شاه، دربار و شرکا، و یا وابسته به این باند هستند خود بقتضای يك وسیله بزرگ کسب پول در ایران محسوب میشود. ❀

❀ در رژیم سرمایه داری مالکیت زمینهای زراعی بطور کلی می -

اما این سود انحصاری هنگفت که بالاترین فشار را برگرداند
 توده های زحمتکش قرار می دهد، مسلماً نمیتواند به ضرر بخشهای
 دیگر اقتصاد بهرروازی جامعه نباشد. به همین جهت (حاکمیت)
 مطلق بخش ناچیز اما قدرتمندی از هیئت حاکمه در رشته زمین
 و مسکن با عکس العمل مخالفت آمیز بخش دوم هیئت حاکمه
 مخصوصاً لایه های زیرین طبقه حاکمه، یعنی بهرروازی متوسط

طبقه پائینی - تواند منشأ دو نوع درآمد بشود، که با وجود
 شباهت با سود حاصله (در) رشته های صنعتی از بعضی -
 جهات با آن متفاوت است. این قانون در مورد زمینها ی -
 شهری نیز با اندکی توضیح قابل تعمیم است. اما دو نوع فواید
 عبارتند از : ۱- بهره مطلق زمین که در حقیقت یکنوع بهای
 انحصاری است و تابع حد متوسط نیست (مالکین) شهری و در
 رأس آنها دربار، سود های هنگفت خود را اساساً از همین -
 بهره تامین میکنند . ۲- مابعد تفاوت، که در نتیجه اختلاف کیفی
 زمینها و درجه حاصلخیزی یا میزان سرمایه هایی که در آنها

که عمدتاً بخش تولیدی جامعه را بل می‌دهد، و — ورو
 مینود . . . وقتی باند شاه که جلا انگلی و غیر تولیدی
 بورژوازی ایران را تشکیل می‌دهد، که در عین حال هنوز
 اصلی ترین قسمت هیئت حاکمه را در دارد، با طرح یک
 نقشه کاملاً حساب شده از قتل امین و ایجاد بحران —
 مسکن وضع قوانین خاص مقررات و مدولتی و تحمیل بالا —
 ترین فشارها بر دوش مردم و همچنین ارقام تورمی

بقیه پادشاهی — بکار رفته است بآید و عبارت از تفاوت
 قیمت اراضی پست و عالیه در زمینهای —
 پیشرفته سرمایه داری ممکن است من کردن مالکیت ارضی
 بهره مطلق را بر انداخت و این بجه با منافع سرمایه —
 داری انگلی دلال و فئودالی صفت ایران، یعنی عمدتاً
 باند شاه و بخش مهم هیئت حاکمه نیست، زیرا بهره —
 مطلق نتیجه انحصار مالکیت زمین، معینی است و چون
 مالکیت آن از آن دولت اعلام شود و خود بخود زایل
 میشود، این مقدار مابقی تفاوت، ما این رژیم باقی است
 امکان پذیر نخواهد بود.

سر سام آوری در اقتصاد ایران ، میلیارد ها تومان پول بدست میآورد ، تنها مردم را در آستانه شورش و انقلاب قرار نمیدهد ، بلکه نارضایتی شدید . . . نفر از سرمایه داران بخش خصوصی و وحشت عاقل ترین نمایندگان طبقه حاکمه ایران در هیئت حاکمه را نیز موجب میشود اینجا مسلماً مجال بررسی عمیق این مسئله بسیار جالب توجه که مستقیماً در بخش از هیئت حاکمه را در مقابل هم قرار داد مو به شکاف موجود بین آنها ، ابعاد تازه تری بخشید فاست ، مسئله ای که دست در دست مسائل مشابه اقتصادی دیگر اکثریت اعضا (بورژوازی) ایران را از الیگارشی انحصار طلب حاکم بر ایران ، یعنی باند شاه و دارودسته سرمایه داری انگلی وابسته به او جدا کرده و به تضاد های اقتصادی بین قشرهای مختلف این طبقه ، مخصوصاً بین قشرهای فوقانی آن و اکثریت عظیم قشرهای متوسط و پائین آن ابعاد سیاسی و حکومتی بخشیده است ، وجود ندارد . با این وصف همین قدر باید اشاره کنیم که در ایران بزرگترین سرمایه گذاری در رشته زمین و مسکن را - باند شاه بعمل آورده است .

بانکهای کوروش همران و صندوق اکباتان یعنی عظیم ترین

مؤسسات مالی مربوط به رشته مسکن در بخش خصوصی اساساً
 در دست شاه و باند وابسته به او قرار دارد. دولت بانک مهم
 دولتی نیز یعنی بانک رهنی و بانک رفاه کارگران که آنها هم -
 اساساً در رشته مسکن فعالیت میکنند، خط مشی و برنامه کار -
 شان طوری ترتیب مییابد و با شرکت های ساختمانی و مؤسساتی
 عقد قرار داد می بندند که مجموعاً منافع باند شاه در همین
 رشته محفوظ بماند، و حتی سهمی از سود حاصله بحیب آنها
 سرازیر شود. یکی از وظایف بانک های خصوصی فوق الذکر تأمین
 سرمایه های لازم، سرمایه های هنگفت چند میلیارد تومانی برای
 پروژه های شهرک اکباتان، شهرک چشمه، شهرک لوئیزان، طرح
 عباس آباد و غیره میباشد که اساساً و بطور عمده در مالکیت شاه
 و باند او قرار دارد. تمامی طرح های مربوط به نقشه جامع،
 ضبط مرتب اراضی بایر شهری و خارج شهری توسط دولت، که
 خود نوعی عمل احتکاري روی زمین محسوب میشود، تنظیم -
 مکانیزم نرخ های متفاوت بهره بانکه، برای فعالیت در رشته مسکن
 و یا در رشته های دیگر، ایجاد بانک های اختصاصی مسکن و
 اختصاص امتیازات ویژه به آنها، جلوگیری از فعالیت بانک های دیگر

در این رشته و قرار دادن موانع قانونی، تسهیل شرایط بوداخت پول برای خرید خانه به اقساط طبقه متوسط و البته با بهره ... های هنگفت در همان بانکهای تخصصی، که هنوز تقاضا برای خرید مسکن را به شدت افزایش داده و از دو طریق، یکی کشا- ندن سیل سرمایه های کوچک و متوسط به طرف این بانکها و جلوگیری از به جریان افتادن آنها در رشته های تولیدی و - رسیدن به دست جناحهای بورژوازی ایران و دیگری بهالانتر- بودن بازهم بیشتر قیمت مسکن به دلیل کمبود عرضه نسبت به تقاضای رو به رشد، افزایش تورم و حشمتانک موجود و نارضایتی باز هم بیشتر جناحهای دیگر بورژوازی منجر میشود . همگی این قبیل اقدامات و برنامه ها، مستقیماً به سودآوری سرسام آور سر- مایه گذاری های این باند در رشته زمین و مسکن و خدمت میکند . به عنوان مثال ، . . . جامع شهری که مستقیماً به معنای محدودیت ایجاد ساختمان در داخل محدوده و ممنوعیت کامل در خارج از محدوده بوده است . همچنین ضبط اراضی و سیع شهری و خارج شهری توسط دولت و با توجه به مهاجرت و سیع جمعیت به شهرها، مخصوصاً تهران، و افزایش وسیع تقاضا

برای مسکن توسط طبقه متوسط و قشرهایی از این طبقه که در جریان رونق اخیر به و رفاهی رسیده اند، مجموعاً به نحو حاد، همیزان تقاضای کلی برای مسکن را در سطح شهرها و مخصوصاً بزرگترین شهرها بالا می برد. دولت خود به عنوان یکی از بزرگترین محتکران زمین، نقش با اهمیتی در بوجود آوردن این وضع دارد. علاوه بر این عموماً نقشه های جامع شهرها طوری ترتیب و تنظیم شده است که زمینهای مربوط به همین قشر ممتاز در بهترین کار رونق و خدمات شهری قرار گرفته و از این طریق هر قیمت آن بطور خلی الساعه افزوده شده است. با این توصیف واضح است که باید مذکور با توجه به شرایط و ملا حضات فوق، امکان مییابد که، اولاً: قیمت میلیونها متر زمینهای احتکاری خود را با سرعت و بطور منظم افزایش دهد. ثانیاً: سرمایه گذاری هنگفت آنها در رشته ساختمان شود. . . . هنگفت تری در بر داشته باشد. بعنوان نمونه میتوان از شهرن اکباتان که زیر نظر مسئولیت مستقیم حسین دانشور، یعنی نماینده مستقیم آجودان شخصی او ساخته میشود، نام برد. حسین دانشور قبل نمایندۀ شاه در ایران ناسیونال بود، اما نابینا آمدن طرح

چندین میلیاردی شهرک اکباتان، شاه با صفر فرمانی مبنی بر قدرت انی از خدمتانش در ایران ناسیونال و ضمن مفتخر کردنش به لقب "جناب" او را به سرپرستی طرح شهرک اکباتان منسوب نمود. جالب توجه اینجاست که در ایران و قلمرو پادشاه در چپاول مردم بعدی رسیده است که آنها حتی هیچگونه ملا حظهای از آشکار شدن این قبیل اقدامات و سوء استفاده های سود طلبانه و غارتگرانه خود نمی کنند. آنها دیگر ترسی از آن ندارند که کسی بپرسد آجودان کشوری شاهنشاه در ایران ناسیونال چه کاری می کند؟ ایشان در این موضوع سه خطا به چه کاری مشغول بودند و چه خدمتی انجام دادند که ضمن اظهار قدرت انی از آنها به جناب مفتخر میشوند؟ واقعا شاه در این وسط در حلقه میان غده های سرطانی، مانند ایران ناسیونال، شهرک اکباتان چه نقشی و بازی میکند؟ قیمت یک دستگاه آپارتمان کوچک در این شهرک، یعنی شهرک اکباتان، که در جوار میدان شهید و در حد فاصل بین اتوبان کرج و جاده مخصوص ساخته میشود، یعنی در یکی از بهترین نقاط تهران، کمتر از نیم میلیون تومان نیست که قیمت آن، نگاه در

بازار سیاه به يك برابر و نیم نیز میرسد . قسمت بیشتر این آپارتمانها قبل از ساختن ، پیش فروش شده و بانک اکباتان بایمن فروش آنها سهم اصلی از سرمایه گذاری اولیه را بدست آورده است . در این مجتمع ، تنها کارگران ساده آن ایرانی هستند بقیه ، یعنی خیل عظیمی از مهندسين و تکنسینهای ماشینیک را ، متخصصین آمریکایی و کارگران خارجی ، ایتالیایی ، کره ای ، و غیره تشکیل میدهند

حقوق يك مهندس آمریکایی در این مجتمع ، کمتر از پنجاه هزار تومان در ماه نیست . با صرف چنین مخارجی ، طبیعی است که باید وضعیتی وجود داشته باشد که این سرمایه گذاری چند میلیاردی ، حداقل همپای سرمایه آن ، سود داشته باشد زیرا در ایران باند شاه ، به سودی کمتر از این راضی نیست . نرخ سود ، اگر برای سرمایه دار معمولی بخش خصوصی مثلا بین سی و سی و پنج درصد باشد ، برای بانده شاه و سرمایه داران وابسته به او مانند خیای ، یزدانی ، یاسینی و باند شهرام و اشرف ها و شاهپورها ، چیزی کمتر از صد در

صد، اصولاً مطرح نیست.^۴ تنها در لا بودن تشکیل
تقاضا برای مسکن و افزایش تصاعدی وون بها و اجاره -
بهای خانه است که سود آوری هنگفتی سرمایه گذار -
بها تضمین میشود . ثانیاً در وونسته* غانگ او با در -
دست گرفتن مدیریت بانکهای تخصصی مستغیا از اختیار -
رات و تسهیلات ویژهای برای این قبیل از طرف خود آنها
یعنی از طرف دولت برگمارده* خود آمویب رسیده است ،

۴ ماهیت واقعی تضاد اصلی بخشهای حاکمه :

ریشه* بروز تزلزل و اختلاف در هیئت حارضایی بخشهای
وسیع سرمایه داری ایران غیر از بخش شاه و اساساً به
همین مسئله یعنی به اختلاف وونخ ی این دو بخش
بر میگردد . زیرا هیچیک از مکانیسم ها ته شده* اقتصاد
بازاری برای تعدیل وونخ سود و گرایش یعنی وونخ سود
در رشته های مختلف بر انحصاری وونخ وونخ وونخ وونخ
باند شاه کافی نیست. سیستم کاملی از مقررات دولتی

برخوردار میشوند. عین همین قضیه در رشته صنایع و معادن وجود داشته و دارد. بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران، یعنی بزرگترین بانك خصوصی ایران اساساً متعلق به شاه و سرمایه داران وابسته به او است و شریف امامی رئیس هیئت مدیره آن نماینده مستقیم شخص شاه است. این بانك، بعنوان يك بانك تخصصی در يك دوره از بهترین شرایط و تسهیلات دولتی برای رشد و قدرت خود منجمله دست انداختن بر روی

بقیه پاورقی

از نرخ تعرفه های گمرکی گرفته تا نرخ ارزاق، از اجازه تأسیس کارخانه فلان رشته صنعتی گرفته تا استخراج فلان معدن تا نرخ بهره بانکی همه و همه و سایل و تجهیزات هستند که این برتری دائمی جناح محدود سرمایه داران انگلی، جناح شاه را بر دیگر طبقه حاکمه ایران حفظ کرده و در صورت لزوم بار... اقتصادي را به دوش جناحهای دیگر و عمدتاً بهرژوازی متوسط ایران میاندازد. این بخش بهرژوازی نیز، که وسیعترین

بزرگترین صنایع و معادن ایران بهره گرفت. بطوریکه امروز بصورتی
درآمده است که بیش از ۱۰۰۰ میلیون کارگر در صدها مؤسسه
صنعتی و معدنی بزرگ و کوچک، مستقیم و غیر مستقیم در حیطه
کنترل آن قرار دارند و با سرمایه قریب هشتصد میلیون تومان
در دهها میلیارد تومان سرمایه را در سطح ایران، کنترل مینماید.
این امتیازات به آنها امکان میدهد که ۱- از رفاهت بخشهای
دیگر سرمایه داری ایران در امر سرمایه گذاری در رشته مسکن،

بقیه پاورقی

و از نظر کمی، هر قدرت ترین قشر را تشکیل میدهد، قشری که
تا کنون شاه و سرنیزه حکومت او را برای بقا، موقعیت (استثاری)
خود بسیار لازم میسرود، اکنون از نظر سیاسی، خواهان تعدیل
نقش مرکزی و قدرت مطلقه شاه و نفوذ برابر در هیئت حاکمه شده
و از نظر اقتصادی، خواهان برابری در حق استثمار و سودبری
با جناح رقیب کوچک ولی پر قدرت خود شده است. عناصری از
این قشر نیز، با خارج کردن سریع سرمایه هایی که در این

جلوگیری بعمل آورند زیرا اعتبارات عظیم بانکی لازم برای اینکار، اساساً بنا به مکانیسم اختلاف نرخ در بهره ها در حیطه قدرت و عملکرد بانکهای تخصصی مسکن (قرار) دارد. ۲۰ - سیل عظیمی از سرمایه های کوچک را که حجم آن به میلیارد ها تومان بالغ

بقیه* پاورقی

مدت در سایه همین حکومت سرنیزه، انداخته بودند، نسبت به فشار شریک بیرحم و بی عقل بزرگتر خود، عکس العمل نشان دادند. در یک کلام، جنک موجود بین قشرها و جناحهای مختلفی طبقه* حاکمه و مهتر از همه جنک روز به روز شدیدتر شونده جناح شاه با دیگر جناحهای سرمایه داری ایران را، اساساً میتوان جنک بر سر بدست آوردن نرخ سود بیشتر دانست. منتها جناح شاه بر سر حفظ موقعیت استثنائی و ممتاز خود در بهره گیری از نرخهای بالای سود، به دلیل انحصار و پستوانه* قدرت دولتی، اصرار مبرور و در مقابل، بخشهای دیگر سرمایه داری و در مرکز آن قشر وسیع متوسط ایران، بر سر تقسیم با اصطلاح عام - ^{بورژوازی} دلانه* غنائم بدست آمده از غارت خلق مبارزه میکنند.

می شود ، بسخت بانکهای خود برگردانده هزاران نفر
 از افراد طبقه متوسط موجودیهای خود را از بانکهای دیگر -
 بیرون کشیده و به امید صاحبخانه شدن به این بانکها می گذارند
 ۳- این سرمایه ها ، پول لازم را برای آغاز سرمایه گذاری در
 رشته موصوف برای آنها فراهم کرده و طبیعتاً نرخ تنزیل برای
 آنها ارزانتر تمام می شود . ۴- آنها ماهه التفاوت سرمایه های
 جمع شده را با استفاده از اختلاف نرخ بهره ، رشته مسکن با سایر
 رشته های بورسهای زمین و سهام به کار انداخته و به بانکهای
 عمومی برای استفاده از ماهه التفاوت نرخ بهره انتقال میدهند .
 در حالیکه خانه های محقر و خانه های قفس مانند مردم فقیر و -
 زحمتکش تهران در بیابانهای اطراف شهر با وحشیگری تمام بر -
 سرشان خراب می شود . مطابق تصویب نامه های دولت بهترین
 زمینهای احتکار شده ، دولتی در اختیار شرکتهای خانه سازی
 قرار میگیرد . و این شرکتها از امتیازات ویژه ، وام با بهره ارزان
 و تضمین آب ، برق ، تلفن و غیره بهره میبرند . اما نکته قابل
 توجه در اینجا است که سرخ تمام شرکتها یا به آن شرکتهای مادری

میرسد که مستقیماً تحت نظارت و مدیریت مستقیم سرمایه داران انگلی باند شاه قرار دارند و یا اینکه بهرحال سرنوشت آنها تماماً در دست چهار پنج بانک دولتی هستند اما برنامه و پروژهای خانه سازی آنها دقیقاً با سیاست سه بانک دیگر و در یک کلام با منافع باند شاه تنظیم میشود بدین ترتیب در مرکز عمده شرکهای بزرگ ساختمانی و مقاطعه کاری سرمایه گذاری مربوط به باند شاه و دربار و شرکا قرار دارد که این شرکها نیز از موقعیت حاد موجود و قیمت های طلایی کمال استفاده را برده و به خرج مردم یعنی جذب سرمایه های که مجموعه آنها رقم عظیمی را تشکیل میدهد با زمین ارزان و خدمات آماده شده دولتی و حمایت مؤسسات و ادارات دولتی گرانترین قیمت های را که حاوی سود انحصاری هنگفتی است دریافت میکنند . برای درن اهمیت نقش حمایت ادارات و مؤسسات دولتی از این قبیل شرکها علاوه بر موارد مذکور در فوق سر به این موضوع توجه کنید که در تمام طول مدت بحران کمبود وسایل ساختمانی و مخصوصاً کمبود سیمان شرکهای مذکور از هرگونه آثار این کمبود ها در

امان بود و به قیمت دولتی، یعنی گاه تا یکد هم قیمت بازار، -
 مصالح مورد نظر خود را تحویل میگرفتند. شهرک اکباتان از این
 نظر نمونه بسیار قابل توجهی بشمار میرود. ساختمانهای این
 مجتمع بخاطر کمبود سیمان تعطیل نشد. این چنین مزایای
 ویژه ای بطور انحصاری سود سرمایه داران خرده پایی را که
 در همین رشته فعالیت میکنند، تعیین کرده و به عبارت دیگر
 به انحصار فوق اجازه میدهد که قیمت ساختمانهای خود را نه
 بر اساس آنچه برای خود او تمام میشود بلکه بر اساس قیمت -
 انحصاری که بسیار بالاتر است، بفروشرسانده و سود
 انحصاری عظیمی بدست آورد. اکنون با توجه به ملاحظات
 فوق که بطور فشرده ای عنوان شده روشن میگردد که مقاومت
 پیرسود جناح شاه و رژیم ایران در امر جلوگیری از خانه سازی
 در خارج محدوده و در توسعه ضد مردمی نقشه جامع شهرها
 چه هدفها و مقاصدی را تعقیب میکرد و از چه منافع عظیمی
 تبعیت مینمود. همچنین روشن میشود که "تیک بی" این
 جاسوس معروفی آمریکا عامل شناخته شده سازمان امنیت
 و عضو معروف و سابق شورای عالی اقتصاد که وظیفه دلالی
 آشکار شرکتیهای چند ملیتی را در ایران به عهده داشت،

چرا در رأس شهرداری تهران و علی رغم مخالفت شدید اقلیت نمایندگان انجمن شهر که عموماً از سیاست منافع و خواست های مغلوب سرمایه داری ایران، یعنی سرمایه داری متوسط و خرده بورژوازی حمایت میکنند و علی رغم اعتراض و مبارزه هزاران هزار نفر از اهالی تهران و علیرغم افشاگری مطبوعات حتی وابسته به رژیم با دیکتاتوری خود سری شاه مسلکانه، و حشیانه بتخریب خانه های مردم میپرداخت و چون سگ هاری از هر گونه فعالیت ساختمانی خارج از منافع این باند ممانعت میکرد. خوانندگان این سطور اکنون بخوبی درخواهند یافت که موضوع خانه سازی در اطراف تهران، موضوع نارسایی خدمات شهری، کمی آب و برق بوده، بلکه اساساً موضوع سرنوشت میلیاردها تومان سرمایه باند شاه در مرکز آن قرار دارد. و هم چنین خواننده این سطور درخواهد یافت که مخالفت جناحهای لیبرال و قشر وسیع بورژوازی متوسط و حتی بخشهایی از هیئت حاکمه با این سیاست دولت، اساساً نه بخاطر مردم دوستی و نه ناسوزی به خاطر واقعاً وضع فلاکت بار و رنج آور مردم، بلکه اساساً و تنها به خاطر خطر عظیمی بوده و هست که تعویذ ناشی از این سود طلبی

بیرویه، و با اصطلاح غیر قانونی منافع آنها را تهدید کرده، سود
 سرمایه‌هایشان را بنابه دلایل گوناگون اقتصادی به‌خطر می‌اندازد
 و در دراز مدت ادامه شرایط مساعد استثماری را هم از نقطه نظر
 اقتصادی، یعنی امکان بروز رکود و هم از نظر سیاسی یعنی
 امکان بروز شورش و تلاطمات انقلابی در جامعه برای آنها نا (ممکن)
 می‌ساخت. علاوه بر این، آنها همواره مترصد این بودند تا حد
 امکان به تبعیضاتی که ارگانهای دولتی و بانکی به نفع شاه...
 میشوند، خانه داده و بنحوی آنها تعدیل کنند، زیرا بهر حال
 سود هنگفت انحصاری این باند، نمیتواند به‌ضرر دسته دیگر
 و یا به عبارت صحیحتر به محرومیت گروههای دیگر سرمایه‌داری
 از سودبری بیشتر از سرمایه‌های خود منجر نشود. بنا بر این
 جناحهای مخالف شاه، همانطور که هیچگاه از این که به نحوی
 از آنها ضربه‌ای به منافع باند شاه وارد کنند، در مقابل آن
 همه ضربه که از طرف مقابل دریافت کرده اند، مغافل نبودند؛

همانطور که طبیعتاً نمیتوانستند از بخطر افتادن این وضعیت انحصاری یا لغو قوانین گذشته خوشحال نشوند. با این وصف روشن است که باند شاه هرگز حاضر نبود تنها به سرف مخالفت جناح مخالف خود هیئت حاکمه که در این موقع و در اینجا به شدت از طرف قنر وسیع بورژوازی متوسط و بخش خصوصی حمایت میند، از ادامه سلطه انحصاری خود بر فعالیت ساختمانسی و زمین دست بردارد. باند غارتگر او در شبکه پیچیده های مرکب از صاحبان سهام... بانکها، صاحبان شرکت های بزرگ ساختمانی، صاحبان زمین عمال و کارگزاران عالی مقام دولتی، شرکت های مهندسی و مشاور خارجی و در میان همه این حلقه ها خود شاه تا این زمان به بهای دریدری و بیخانمانی میلیونها تن از ساکنان زحمتکش شهرها... و بشکل خالی کردن جیب هزاران نفر از افراد طبقه متوسط و میلیارد ها تومان سود جیب زده بود. بنابراین چگونه حاضر بود دست از این غارتگری - هنگفت و بی درد سر آسان بردارد؟ اما موج طوفنده مبارزه قهرمانانه مردم، بالاخره جناح قدرتمند شاه را وادار به (زانو)

زدن کرد ، با آزاد شدن خانه سازی در اطراف شهرها ، شاه
 زانوزد ، هرچند با اکراه و هرچند با خشم و کینه ای حیوانی^{۳۸} ،
 او با خفت و خواری مجبور شد لا اقل يك قدم از منافع بارز خود

❖ واضح است که این امر یعنی عقب نشینی موضعی و در عین حال قدم به قدم شاه ، به هیچ وجه بمعنای حل مسئله مسکن یا جهت گیری برای حل آن نیست. زیرا مسئله مسکن کارگران و زحمتکشان نه اساسا در نظام سرمایهداری به نحو قاطع و ریشه ای حل میشود ، حتی در نظامهای سرمایه داری پیشرفته ای مانند آمریکا ، فرانسه و ایتالیا هنوز مسئله مسکن کارگران به شدت مطرح است و این مسئله بطور نهایی و قطعی تنها در دوران سوسیالیسم بنفع زحمتکشان حل و فصل خواهد شد . و نه اینکه بطریق اولی رژیم شاه که سرمایه داری انگلی و بوروکراتیک و دلال وابسته به امپریالیسم را نمایندگی میکند ، قادر به حل آن است. مخصوصا اینکه باند اصلی حاکم این رژیم هنوز بهیچوجه از انتظار سود های هنگفت باز هم بیشتری در این زمینه و برپایه

عقب نشینی کند و رقبای خود را در گرداندن چنین صحنای
 شريك سازد . بهمین دلیل وقتی مجبور به برگشتی گمارده خاص
 خود " نيك بی " مزدور شد ، با حالت تلافی جویانه ای بلافاصله
 او را بهست تشریفات عالیتری منسوب کرد . تا بدینترتیب به

ادامه همین بحران چشم پوشی نکرده است . و بهمین دلیل
 نیز در اولین فرصت و در هر موقع و شرایطی که امکان داشته
 باشد ، مضایق و موانع متعددی بر سر راه تامین . . . مسکن
 و آزاد آن برای مردم ، ایجاد خواهد کرد . علاوه بر این ساخت
 انگلی و ارتجاعی سرمایه داری ایران و درهمایزی وسیع آن با
 عنصر فئودالیزم و معاملات احتکاری و انحصاری و غیرتولیدی و
 مشکوک ، چنان است که بخش مهمی از قشرهای مختلف سرمایه
 داری ایران ، آلوده زمین و بورس یازی روی آن و مسکن هستند .
 بهمین دلایل ، این مسئله ریشه های بازهم عمیقتری درماهیت
 انگلی سرمایه داری ایران پیدا میکند . در واقع اگر توجه کنیم
 که به دلیل انحصار شدید درمالکیت زمین و همچنین بالا بودن

انتقاد کنندگان سیاست خود و گمارده * جلادش ، دهن کجی کرده باشد . اما ژست تلاقی (جوینده) شاه پوشالی تراز آن بود که حتی بانه مخالف او را بترساند . او تا کنون مجبور شده

بهره * مطلق زمین در ایران ملی کردن بی چون و چرای کلیشه زمینهای بزرگ بایر شهری و حاشیه شهری ، لغو مالکیت خصوصی بر زمین و توزیع سهل و ساد * آن در میان خانواده های بدون خانه و مسکن ، با اختصاص آنها به ساختمانهای ارزان قیمت ، آنوقت متوجه خواهیم شد که این رژیم با این مشخصات حتی اگر تا روز قیامت هم فرصت داشته باشد نه تنها قادر به حل مسئله * مسکن در ایران نیست ، بلکه روز بروز ، با توجه به تشدید مسئله * انحصار زمین ، این مشکل ابعاد جدیدتر و بحرانی تری خواهد یافت . سازمان ها نیز با توجه به اهمیت اساسی این موضوع در زندگی امروز توده های مردم ، و تشخیص رابطه * ناگسستگی میان بحران زمین و مسکن (در ادامه) حاکمیت رژیم دست نشانده * شاه بود که یکسال و نیم پیش از این شعار مسکن را در فرمول —

است در مقابل فشار روزافزون مبارزه توده ها به جناح مخالف خود در طبقه حاکمه امتیازاتی بدهد . امتیازاتی که مطلقا بسیار جزئی و اندک و نسبتا و نسبت بخود کامگی بی چون و چرای شاه رقم غیر قابل محاسبه ای را تشکیل نمیدهد . هر قدر مبارزه — توده ها شدت یابد ، شاه و باند غارتگرش چاره ای ندارند جز آنکه با نقوش مخالفین خود در هیئت حاکمه و طبقه حاکمه پناه — ببرند . بدین قرار اکنون بخوبی آشکار شده است که چرخ قدرت شاه و (باند) فئودال — بهروازی او در سرازیر سقوط افتاده است . حکومت کردن برای شاه ، روز بروز سختتر میشود و باند او روز بروز منزوی تر می شود زیرا حتی بهروازی ، یعنی قشرهای

فشرده ، تبلیغی خود . . . (نان ، مسکن ، آزادی) بعنوان — یکی از اصلی ترین حلقه های خواستهای فوری مردم ، خواستسی در ردیف نان و آزادی مطرح نمود . از آن هنگام تا کنون به به حد و قابلیت نفوذ این شعار با مبارزه مستقیم و جهت دار توده مردم ، در هر سه زمینه فوق بهبود و تأمین حداقلی از — شرایط زندگی ، مسکن ، و کسب آزاد یهای د مکرانیک بشدت رسیده است .

وسیع و عمده این طبقه بهرور در مییابد که سپردن عنان -
 منافع و مصالح خود بدست چنین دیو دیوانه و افسار گسیخته‌ای
 دیگر چندان بصلاح او نیست. بهرروازی ایران شاه را لازم -
 داشت تا زیر سایه سرنیزه او امنیت منافع و تسلط غارتگرانه‌اش
 را بر توده زحمتکش خلق فراهم سازد. امروز نیز احتیاج او به
 شاه و حکومت سرنیزه او کم نشده است. زیرا همواره خطر انقلاب
 خلق در کمین اوست. منتها يك شاه افسار گسیخته همچون -
 يك دیو دیوانه افسار گسیخته برای خود اونیز خطر ناك است.
 و اینك شاه و باند او چنان افسار گسیخته اند كه بی مهابا بگردن
 و تنه خود نیز چنگال می کشند. شاه باید افسار شود. این
 شعار و زبان حال امروز بهرروازی ایران است. اما بهرروازی ایران
 هم بخود و هم به خلق خیانت میکند. وقتی از گرگ گوسفند دریده
 میخواهد كه آرام به لانه خود باز گردد. او میخواهد گرگ
 خونخوار را متقاعد كند. بگذارد تا تلاش بهبوده خود مقضح
 شود. اینك پرولتاریای رزمنده ایران و توده مردم زحمتکش -
 شهر و روستا پاسخی قاطع و ابدی برای شاه و باند مزدور و -

غارتگر او تدارک میبینند . این پاسخ در انقلاب پیروزنده خلق
و در قیام مسلحانه توده ها خواهد درخشید و برندگی آن -
قلب دشمن را پاره خواهد کرد . گورگ پیر را نه به
لانه ، بلکه باید به این مسلخ کشاند .



تخریب خانه های چشمه علی

توسط مزدوران شهرداری و مقاومت و مبارزه پیروزمند مردم قهرمان محل
چشمه علی محلی است در شهری بهین جاده دوم و سوم شهری
پشت پل سیما . خانه های این محل با اجازه رسمی ساخته شده .
آب و برق هم دارد . بعد از شایع شدن خبر آزادی ساختمان ،
اهالی این محل نیز مثل سایر مناطق ، در قطعه زمینهای مجاور
این خانه ها شروع به ساختمان کردند ، و با بعضی ها شروع به
ساختن یک طبقه دیگر بر روی خانه خود نمودند . در این منطقه
تکه زمین نسبتاً بزرگی واقع بین جاده دوم ، یعنی جاده ای که از
شهری به دولت آباد کشیده شده و پشت این بابویه وجود
داشته که تا اکنون هیچ

ساختمانی در آن ساخته نشده بود. ایراد قبلا بطور قطعه
 قطعه فروخته شده بود و صاحبان آن که در نقاط
 مختلف شهر به صورت مستأجر ساکن بودند زمینها را به
 امید روزی که خانه سازی آزاد شود، نگه می‌داشتند. صاحبان
 قطعات نیز که عموماً کارگر و از بین مردم فقشکس بودند،
 مانند سایر مردم این محل و همینطور مروت دیگر، با فروش
 تمام اثاثیه و زندگیشان و قرض کردن پول، هزاران رنج و
 مصیبت دیگر، بالاخره پولی جمع کرده و با مصالح گران
 شروع به ساختمان در تکه زمینهای مربوط بودند. در
 حالی که هنوز خانه ها نیمه تمام بود، روز شنبه ۲۰/۶/۵۶
 مأموران شهرداری با حضور شهردار ناحیه این منطقه
 یورش آورده و وحشیانه تمام خانه های نیمه‌تکمیل را این -
 قطعه زمین را ویران کردند. بدلیل آنکه صاحبان خانه ها
 در محل حاضر نبودند، زرد و خوریدی صورت و مأمورین نیز
 بدون موانع و مقاومتی، به سرعت منطقه را تزلزل و متلاطم
 منظور رفیق گزارش دهنده، این است که این محله و این
 قسمت خانه ها برای تخریب از طرف شهرداری بیشتر، بعنوان

زهچشم گرفتن از بقیه اهالی و برای جلوگیری از شدت خانه
 سالی در مناطق همجوار بود. باین ترتیب علت این انتخاب را -
 میزان د و عامل زیر دانست. ۱- منفرد بودن خانه ها. بطوریکه
 هم ارتباطی با خانه های رسمی چشمه علی نداشت و تنها
 افتد بود. ۲- زندگی نکردن کسی در این خانه ها. بطوریکه
 گفته شد تمام خانه ها نیمه تمام بود و کسی هم در آنها زندگی
 نمیداد، بجز یکی از آنها که آنها هم خراب نکردند. در نتیجه
 هم تخریب خانه ها مقاومت کمتری بوجود میآمد، کما اینکه هیچ
 معافی نبود. بعد از رفتن مأمورین شهرداری، کم کم سروکله
 ساکنان خانه ها پیدا شد. اهالی و کی مشورت با
 تصمیم گرفتند برای اعتراض به شهرداری بروند و هدف آنها
 عبارت بود از ۱- اعتراض به تخریب خانه ها و گرفتن خسارت
 وارآمده. ۲- گرفتن اجازه ساختن مجدد. مردم با این
 همها بسمت شهرداری حرکت کردند، موقعیکه به جلو شهر -
 دی رسیدند، تعداد آنها به هفتاد و هشتاد نفر بالغ
 می شد. اول از همه سراغ شهردار منطقه گرفته شد. در این
 موااعداد جمعیت زیاد شده بود. شهر دار که از جمع شدن
 مرد جلو شهرداری و اینکه دارند دنبال او میگردند، با خبر

شده بود، فوری از درب پستی شهرداری فرار کرد و قائم مقامش هم از ترس درب اتاقش را از پشت قفل کرده و به کلانتری تلفن میزد. کم کم آثار عصیانیت و خشم مردم آغاز شد. در همین اثنا رئیس انجمن شهردولت آباد که برای شهردار جدید منطقه دست گل آورده بود، زیرا شهر دار تازه عوض شده بود... ناگهان با جمعیت غضب ناک و خشمگین روبرو شد. غافلگیری در چهره* ابلهانه اش موج میزد. وقتی مردم موضوع را فهمیدند، (یکی از آنها) جلورفت دست گل را از او گرفت و در حالی که با داد و فریاد نسبت به خراب کردن خانه اش اعتراض میکرد و با انواع... ناسزا به شهردار دشنام میداد، آنها را خرد و له کرد و بزمین ریخت. در این موقع قیافه* رئیس انجمن واقعا تماشائی بود... به گلبرگهای ریز ریز شده* گلها نگاه میکرد و خجالت زده و شرمنده، پس پسکی از مقابل جمعیت دور میشد. اکنون جمعیت (به خشم) درآمده بود و آشکارا بصورت حمله داخل شهرداری شده و بلافاصله شکستن درها و شیشه های ساختمان شروع شد. کوئی همه وظیفه* خودشان را میدانستند. در این موقع مأمورین شهر... بانی، در حالیکه سعی میکردند با مردم درگیری پیدا نکنند،

شروع به متفرق کردن مردم کردند . چهار زن و يك نفر مرد را که به هیچ وجه حاضر نمیشدند که از شهرداری خارج شوند و قصد تحصن در شهرداری را داشتند ، به کلانتری بردند . عدای می گفتند آنها هنوز در شهرداری هستند و نتوانسته اند آنها را بیرون کنند . روز جمعه باز مردم شروع به ساختن خانه کردند ، منتهی خیلی تند و از جنب و جوش دیروز هم خبری نبود . عدای ای از مرد ها در سایه دیوار جمع شده بودند و داشتند مشورت میکردند که چه کنند ؟ يك يك نگاهشان میکرد . در چهره آنها افسردگی و خشم بخوبی چشم میزد . زیرا آن حالت پلاتکلیفی و در عین را از تك و تاب نینداختن ، بالاخره قرار شد از هر نفر ده تومان گرفته شود برای خریدن پرچم و عکس شاه ، که دور تا دور زمین را پرچم و عکس شاه بزنند . يك جوان هجده ساله پر شور با حرارت میگفت : وقتی عکس شاه و پرچم ایران را بزنیم هیچکسی جرأت ندارد خانه ما را خراب کند و مثل این است که خانه شاه را خراب کرده اند . گفتم : اگر آمدند و عکس ها را کنند و خانه ها را هم مجدداً خراب کردند ، چی ؟ گفت : آنوقت ما هم همگی میریزیم سرشان و کتکشان میزنیم ، گفتم : بهر حال

باید برای همین کار آماده بود. . . . جمعیت دور دو جوان -
 ۲۲-۲۳ ساله جمع بودند. آنها يك عریضه به شاه نوشته بودند
 و به مردم محله میدادند که پای نامه را امضا کنند بعد از همه
 دعوت کردند که فردا هکی در اینجا جمع باشید تا ساعت هشت
 به نخست وزیر برویم. رفیق دیگری این دو نفر را در دولت آباد
 هم دیده بود که داشتند باز هم امضا میکردند. يك مرد میانسال
 که خانه اش را تقریباً تمام کرده بود و مأمورین آن را هم خراب کرده
 بودند با عصیانیت میگفت: چرا میترسید، امضا کنید. اعدا امان -
 که نمی کنند، بگذار ما را بکشند. از این زندگی بهتر است. يك
 مرد دیگر از او پرسید شما هم مستاجر هستید؟ جواب داد: آره،
 ماها، ما هفت هشت تا بچه از خانه مستاجری بیرون آمدم. پولم
 را گرفتم. منظورش پول . . . پیش اجاره بود. و اثاثیه ام را با
 التماس در خانه فامیلم دروی پشت بام خانه اش گذاشتم. چون
 او خودش هم جا ندارد و ماهم خودمان توی حیاط می خوابیم.
 من از او پانزده روز مهلت خواستم و تا بلکه بتوانم خانه ام را -
 بسازم ولی حالا این بی ناموس ها آمده اند آنرا خراب کرده اند
 من حالا کجا بروم؟ با این همه بچه کجا بمن خانه میدهند. پول

اجاره

هم دیگر ندارم و از طرف دیگر، زمستان هم دارد میاید و دیگر
 نمی توان توی حیاط خوابید. این شخص به همه توصیه میکرد که
 همگی زن و بچه خود را بیاورید تا ساختمانها را شروع کنیم. —
 چون کسی جرأت ندارد خانه را روی سر زن و بچه خراب کند.

یک مرد دیگر در تأیید حرف او میگفت: یک زن بجای ده مرد کار میکند،
 بخاطر اینکه روی بچه های مردم که نمیتوانند خانه را خراب کنند.
 چون شعور میشود. انقلاب میشود. طرف صحبت او ادامه حرف —

او را گرفت: پیروز رفتیم شهرداری، دنبال شهردار میگشتیم و مردم
 هم خیلی عصبانی بودند. شهر دار از دیشتی دررفت. اگر گهرش
 میآوردند میگشتنش. معاون هم رفته بود توی اتاق و در را از پشت
 قفل کرده بود. یک مرد دیگر که گویا تازه وارد بود از او پرسید:

مگر مأموران شهرانی آنجا نبودند که جواب شما را بدهند؟ که
 همان مرد اولی جواب داد: چرا بودند، آنها خودشان بدتر
 از مأموران شهرداری هستند. آنها مردم را بیرون کردند. فقط
 پنج تا زن که نوی شهرداری نشسته بودند، را نتوانستند بیرون
 کنند. دوباره صحبت بر سر خانه ساختن شروع شد. یک مرد گفت:
 خوب، دوباره میآیند، خراب میکنند. همان مردی که معتقد بود

باید از زن و بچه ها برای جلوگیری از تخریب خانه ها توسط -
 شهرداری استفاده کرد و فوری جواب داد: وقتی زن و بچه ها مان
 باشند، کسی نمی تواند خراب کند، تازه ما هم به آنها حمله
 میکنیم. بعد برای (درستی حرفش) اشاره به آن خانه ای می -
 کرد که زن و بچه ها توی آن بودند و خراب نشد. مرد دیگری -
 دنبال صحبت او را گرفت: تازه اگر بخواهند همه خانه های (مردم
 را خراب) سازند، منظورش همه بی خانه ها در خارج از محدوده
 بود، مگر شهرداری بقدر کافی کارگر و مأمور دارد که بتواند خراب
 کند؟ (ارتش) هم دخالت نمی کند، چون گفته اند: خانه سازی -
 بها مربوط نیست، مرد دوم مرتبه سنج و سرد گفت: وقتی دولت
 به ارتش دستور بدهد، چطور ارتش می تواند قبول نکند. جماعت
 حالا ساکت شده بودند. مردی که مدافع آوردن زن و بچه ها
 به خانه های (در دست ساختمان بود) تا به این ترتیب
 از هجوم مأموران شهرداری برای تخریب آنها جلوگیری بعمل -
 آورده، در حالیکه خیلی عصبانی شده بود با صدایی ... در که
 شده بود، فریاد عجیب و درو زمانه ای شده، برای مرده ها اجازه
 خانه سازی میدهند، ولی ما زنده ها را نمی گذارند (به خانه) -
 بسازیم. مگر چقدر فاصله بین اینجا تا مرده ها است؟ از هشت

قدم، مگر بیشتر است؟ این چطور زندگی است؟ (نامبرده) اشاره به این-
 ها بویه میکرد که تازگی برای مرده ها، مقبره ساخته بودند. - یکی
 جواب داد: فلانی از این حرفها نزن، میگویند شورش (کردی) -
 کلمه شورش را با لحنی که در عین حال حالت مسخره داشت، -
 کشید. جوان دیگری که ظاهراً اهل محله نبود، قضیه را جدی
 گرفت (و افزود): چرا شورش باشد؟ حرف حق میزند. خانه -
 ساختن حق ماست. و نفر دیگر با هم در حال صحبت بودند،
 یکی از آنها میگفت: «خانه هارا نگاه کن، بهین چطور خراب کردند.
 تیر آهن ۱۶، چنان پیچ خورده که پدر هیچ کاری نمی خورد.
 پرونگامکن (دلت) آب میشه. حال دیگر مردها عموماً رفته بودند.
 همان جوان هفده هیجده ساله که قبلاً نکرش رفت، برای تعریف
 میکرد: می گویند جندی پیش خواسته اند یک محله را خراب کنند
 "منظور من خراب کردن خانه های تازه ساز بود" مأمورین همه شان
 هفت تیر داشتند، یک کارگر هفت تیر یکی را بر میدارد و میزند
 هفت تاشان را میکند. میدانستم که خبر صحت ندارد. علاوه بر
 این اسم آن محله را هم نمیدانست. ولی معلوم بود توی (سروش)
 چه چیزهایی میگذرد. دستش را گرفتم و گفتم: خبر داری

جلوی شهر داری هم دو تا پاسیان گذاشته اند تا کسی بالا نره؟
 جواب داد: آنجا همیشه چند تا پاسیان و سازمان امنیتی هست
 تا نگذارند مردم جمع شوند. عصر همان روز در تادیب زمین را
 بهرچم نصب کرده اند. روی ساختمان که يك قسمت آن را سفید
 کرده بودند با رنگ و روغن دو شعار در تأیید شاه خائن و انقلاب
 سفیدش نوشته بودند. شعارها خوب نوشته نشده بود، اما
 آنقدر درشت بود که در همان لحظه اول توی چشم میزد. پیش
 خودم فکر میکردم: واقعا این نوشته ها برای مردم چه اندازه -
 جنبه سمبلیک و نمادی دارد؟ آیا هنوز ایمانی نسبت به آنها
 وجود دارد؟ یاد داستان معروف آن یکشنبیه خونین
 افتادم. منظوره نامه ۱۹۰۵ است که کارگران پتروزسورگ
 در مقابل کاخ زمستانی نیکلای دوم، تزار روسیه، وید ستور او به
 گلوله بسته شدند. آنها در این روز همراه زنان و کودکان خود
 به اغوای کشیش جاسوس و فتنه انگیزی بنام گاپو، برای دادن -
 عریضه به تزار در جلو کاخ اجتماع کرده بودند. این روز، از آن -
 تاریخ یکشنبیه خونین نام گرفت. آیا هنوز ایمان کارگران ما به
 تزار ایران نه کشیده است؟ * اشارهای است به جمله ای از تاریخ

... حزب کمونسیت شورویگوید، بعد از بروز این واقعه، ایمان کارگران به تزار نبرهارا و آیا هنوز یکشنبه های خونین برای آن لازم است؟ و بعد، از لنین میخاطرم آمد که تأکید میکرد که "چگونه شرائط زندگی به آنها می آموزد که باید مبارزه کنند" منظور رفیق ما املات لنین در مقاله "درسهای انقلاب اوست، که میگوید: "خطر زندگی کارگران به آنها استعداد مبارزه بخشیده و، سوفشان میدهد، سرمایه کارگران را بشکل توده، متشکلهای بزرگ جمع کرده، آنها را متحد مینماید و طب مشترک را بآنها میآموزد. کارگران در هر قدم با دشمن خود یعنی طبقه سرمایه دار روبرو می شوند. کارگر ضمن آنکه با این دشمن میکند، - سوسیالیست میشود و به لزوم امل سازمان خود (برای) معو هر گونه فقر و شکنجه گری پی " تقریباً همه زن و بچه ها - ایشان را مطابق قرار آورده بدو این طرف و آن طرف خانم های نیمه تمام که هنوز سقف، مقداری اثاثیه ولو شده بود. در ضمن در این فاصله تصمیم شده بود که بجای رفتن به محل نخست وزیری باز هم فردا صبح شهرداری بروند، چون حدس

میزند که اگر به نخست وزید، باز هم جواب سریالا خوا-
 هند داد و عافشان خواہد) و خواهند گفت: مگر ما
 خانہ شما را خراب کردہ اند. سراغ همانہایی کہ خانم تا
 را خراب کردہ اند. آنها برا ہم از پیش میدانستند...
 شواہد زندگی چہ چیزهایی د نمیدہد. شنبہ ۵/۶/۵۶
 امروز صبح تا ساعت حدود قط حدود ۵ مرد و ۵ زن -
 جمع شدہ اند و از (دیگران خبری نیست. با این وصف،
 تصمیم گرفته شد با همین عہدہ داری بروند. کم کم بقیہ ہم
 پیدایشان میشود. عدہ ای کفول ساختن خانہ ها هستند.
 چند تایی از صاحبخانہ ہم هستند. بقیہ صاحبخانہ ها
 برای رفتن بہ شہرداری آمدہ اند و وانت یکی برای زنہا
 و دیگری برای مردہا، این ا بہ عہدہ میگیرند. جلوی -
 شہرداری ہم از رسیدن واندہ ای جمع هستند کہ از...
 وانت ہارہا استقبال میکنند. ر جلوی شہرداری حدود ۵۰
 ۶۰ نفری جمع شدہ اند. تا ۵ تا ۱۰ نفر از اہل محل
 هستند بقیہ ہم برای کتجکاوندہ اند. پاسانہایی...
 در شہرداری را بستہ اند و مردم جلوگیری میکنند زنہا

شروع به داد و فریاد کردند. راننده شهر دار که آن درویشی -
 را لکیده با بلند شدن سرو صدا فوری ماشینش را برداشت
 و از منطقه خارج شد. وقتی راننده سوار اتوموبیل میشد زن‌ها
 شروع به مسخره کردن راننده نمودند. یکی شان براننده میگفت:
 یک چادر هم برای شهر دار ببر تا بتواند (فرار کند). در این -
 موقع بود که سرمه ای پوشها سر رسیدند. دوتا پیهکان گشتی با چند
 تا پاسبان، یک سرگرد و یک (نفر دیگر) معلوم بود که از قبل -
 دستور رسیده است، چون سرگرد و سروان سعی میکردند با اصطلاح
 محترمانه برخورد کنند. آنها از مردم خواستند که نماینده انتخاب
 کنند تا با شهر دار صحبت کنند و در ضمن بی نظمی نکرده و در
 یک کنار جمع شوند. مردم اول قبول نمیکردند، میگفتند نماینده
 دارد چون آنها کم هستند و شهر دار آنها را جواب
 می کند. ولی بالاخره از روی ناچاری راضی شدند. سه نفر به
 عنوان نماینده بالا رفتند که با شهر دار صحبت کنند. موقع رفتن،
 یکی از نماینده ها با یک پاسبان توی راه رو حرفش میشود. نماینده
 حمله میکند که با پاسبان گلاویز بشود ولی (سرگرد مانع) می شود و
 نماینده را تا دم در اتاق شهر دار همراهی میکند و خودش بر -

میکرد. حالا مردم در جلوسر شهر داری به حال انتظار نشستید
 اند سروان بچند نفر میگوید: شما فقط بهنظمی نکشید. زنی پرخاش
 کنان جواب میدهد: ماکی بی نظمی کردیم؟ سروان با حمله کوی
 تمام پاسخ میدهد: چند روز پیش زدید شیشه هارا شکستید؟
 تقاضای مردم معلوم است. ۱- اجازه دوباره ساختن ساختمانها
 ۲- پرداخت خسارات وارد آمده. اعم از مصالح و کارگر.
 در انتظار بازگشت نماینده ها، بحث ها و اظهار نظرهای عادی
 در بین مردم جریان داشت. مرتب و با صدای بلند اعتراض
 می کردند و ناسزا میگفتند، و نفر از همه فعال تر بودند. یکی
 از بچه های محل میگفت: اینها موقع تخریب آنجا بودند و دیدند
 که این فامرد ها چطوری خانه های مردم را خراب کردند. برای
 همین هم هست که اینقدر داغ و نشان تازه است. روی هم رفته
 زن ها کوشش اعتراضی علنی تر و فعالتری داشتند تا مرد ها. کارها
 تقسیم شده بود. داد و فریاد و اعتراض علنی کار زن ها و شورو
 مشورت و . . . البته در زیر جریان داشت کار مرد ها.
 مردم میگفتند: ما خانه ها را با آجری دانه ۱۰ ریال و تیر آهن
 کیلویی ۲۸ ریال ساخته ایم اجازه خانه سازی هم که داده اند

ولی باز می‌آیند و خراب می‌کنند. به حلقه دیگری از جماعت می‌روم. کارگر پیری که خانه اش را خراب کرده اند میگفت میگویند می‌خوا-
 هیم پارک درست کنیم فضای سبز و کوفت و زهر مار درست کنیم. پارک به چه درد مان می‌خورد. بگذارند خانه مان را بسازیم. کارگر کی وقت دارد بروی پارک؟ پارک مال ثروتمندان است. عده دیگری درباره مقاومت اهالی محله‌های دیگر صحبت میکردند. این که چطوری مقاومت کردند... خود را از قبل آماده کرده بودند. و برای کارهایشان نقشه داشتند. مثلاً از مردم باقر آباد تعریف میکردند که توی خانه هایشان بنزین آماده (داشتند) تا ماشین-
 های شهرداری را آتش بزنند و چوب و چماق هم دم دستشان -
 گذاشته اند حتی به بچه هایشان هم چوب داده اند. يك زن می-
 گفت: بچه اش همیشه میگفت که می‌خواهد پلیس بشود. اما حالا می‌گوید ماما من دیگر پلیس نمی‌شوم. چون پلیس خانه مردم را خراب می‌کند. چند نفر مرد که (دورهم) حلقه زده بودند و در باره نتیجه مذاکرات پیش‌بینی میکردند، بعد آخوش نتیجه می-
 گیرند که چه بگذارند و چه نگذارند، اما خانه هایمان را خواهیم ساخت حتی اگر خراب هم کنند، باز هم می‌سازیم. این نشد، چادر

میزنیم. از روی زمین خودمان که نمی توانند بیرونمان کنند. در وسط صحبت دوسه نفر از اهالی شناس آمدند که مواظب حرف زدنشان باشند. اینجا چند سازمان امنیتی است. یکی از مردها با غرور جواب داد: ما که حرفی نزده ایم. . . . همان آدمی که از مردم حرف می کشید، داشتند حرف می زدند. خوب می شناسمش یک استوار باز نشسته است. مگر می خواهند چه کارمان (بکنند) مردی که آنجا بود مهربانانه گفت: بخوبی باید حرفهای اضافی نزنیم. یکی از جوانها تبلیغ می کرد که شهرداری خواهد بهاید و با ما صحبت کند. مگر (اجازه) نداد. هرگز سرش و گشش نزنیم. حدود ساعت ۱۰/۵ بود که سه نماینده از دفتر شهرداری پائین آمدند. یک نفر از آنها نتیجه مذاکرات را بدین ترتیب به مردم گزارش کرد: آنهایی که خانه هایشان نیمه تمام است، اجازه دارند آنها به اتمام برسانند. آنهایی که خسارت دیده اند (مقدار خسارتشان را) آماده کنند. از طرف شهرداری کارشناس می آید و خسارت آنها را می پردازد. در ضمن آنهایی هم که هنوز شروع نکرده اند، دست : . . . بعد فکری برای آنها بشود. در طول مدتی که او ظاهرایی تفاوت و سرد نتیجه مذاکرات را گزارش

میداد و چهره ها بازو بازتر میشد . بطوریکه (در میان) سخن لبخند
 آشکاری بر لبها نقش بسته بود . هرچند که باز هم معلوم بود که
 نمی خواهند آنرا نشان بدهند . شاید هم این احساس بیم و امید
 بود . بین اینکه بالاخره پیروز شده اند یا اینکه دارند فریشتان
 میدهند . با این حال آشکارا معلوم بود که خوشحال شده اند .
 جمعیت خسته و سلاسه سلاسه شروع بحرکت کرد . (رفتند که
 بسازند) (این جمله را يك نفر که خارج از جمعیت بود با خنده
 متلك باری گفت : « چند نفری که شنیدند برگشتند و متقابله او
 لبخند زدند . يك مرد از میان جمعیت با صدای بلند گفت :
 بروید خانه بسازید و هر کدامتان هم يك پیت بتزین بخرید و کنار
 خانه هایتان بگذارید . حرف آخر را زده بود . فکر کردم : ایمن
 مسردم را دیگر نمیتوانند فریب بدهند .
 آنها همیشه ساخته اند و همیشه برای
 ساختن رفته اند . اما اینبار يك پیت صلو
 از بتزین در کنار خود دارند .

مقاومت قهرمانانه مردم منطقه کوکا کولا

در مقابل ویرانگری های رژیم شاه خائسان

صبح روز دوشنبه ۵۶/۶/۲ ککلا به کوکا کولا رسید و جلو -
 تر از همه به سمت شرق آن و جنوب فرح آباد . تعدادی از مأمورین
 شهرداری بایک بولدوزر و تحت حمایت چند مأمورین پرا سرساز
 مسلح به مسلسل ، هجان خانه های محل افتادند . همراه آنها
 حرکت ویرانگر بولدوزر و غرض زنجیر های آن که همه چیز را در
 زیر فشار دانه های خود ، خرد میکرد و به جلو میبرد ، فرش مردم
 و خشم و هیجان آنان که حالا در محل افزون و افزون تر شد ،
 بودند ، بالا و بالا تر میرفت . بالاخره درست در زمانی (که) خانه
 بولدوزر بدیوار همین خانه تماس حاصل کرد ، بهاروت خشم مردم
 با حمله یکی از اهالی بسوی مأمورین منفجر شد . حمله خشمگینان -
 نه آغاز شد و در حمله اول و همان دقیق اول جیب شهرداری
 و سپس بولدوزر مهاجم بآتش کشیده شد . مأمورین به سرعت عقب
 نشستند . حالا عده مردم باز هم بیشتر شده بود . در خیابان
 مجاور خیابانی که در شرق خیابان کوکا کولا قرار دارد ، تعداد
 زیاد از اهالی که بخواهی معلوم بود کارگر هستند . پرچم سه

رنگی را افراشته بودند و شعار جاوید شاه میدادند . جمیبهای
 پیر از سرباز مسلح و همینطور تعدادی پاسبان آنها را در میان
 گرفته بودند و مردم از محلات دیگر دسته دسته بسمت این گروه
 میآمدند . دوچرخه سواری در میان جمعیت فریاد میزد : بشتابید
 بسوی دشمن ، حالا دیگر حسابی مردم اجتماع کرده بودند . هر
 کس صحبتی میکرد . عده ای به بازگویی بدبختیها و رنج و درد -
 های خودشان برای بگد یگر میپرداختند و اینکه عمله روزی صد تومانی
 و بنای روزی سیصد تومان و آجر دانه ای یک تومان این سرپناه
 را فراهم بندی کردند و حالا این نامردها آنها خراب میکنند .
 جمعیت زیاد بحالت بدتکلیفی باقی ماندند . گروهی که شعار
 جاوید شاه میدادند گفتند به طرف شهرداری برویم . تقریبا
 همه موافق بودند . میگفتند : اگر امروز به شهرداری برویم ، اگر
 امروز حقمان را نگیریم ، هیچ وقت کاری از پیش نمیبریم . بدنبال
 این پیشنهاد جمعیت آرام بسوی شهرداری که در محل تقاطع
 این خیابان با خیابان فرح آباد و در ضلع جنوبی آن واقع است ،

حرکت کرد. مأمورین شهرداری نیز در محاصره پلیسها زان
 مسلح با تاله های جاوید شاه بسوی شهرداری براه افتد
 هر آدمی فکر میکرد که چگونه این جنایتکاران، شاه و شاسا
 و دارودسته شان عده از مردم زحمتکش را بجان عده ای بد
 آنها انداخته اند تا بدین ترتیب چند روز بیشتر بزندگی
 کارانه خود ادامه بدهند. حالت افسرده مأمورین که عمکر
 و کارگر بودند و با قدمهای شل و بی تفاوت بسمت شهر
 رفتند کسانی که شاید رفتگران و مأمورین دیگر، خانه خوا
 را در محله های دیگر دارند خراب میکنند، یک دنیا مع
 مفهوم داشت. در این وقت عده ای در میان جمعیت شه
 "چاپید شاه" را سردادند و چند نفر هم
 انجیل سربازان سنگ پرتاب کردند. اما بعد از این که
 داری شد. چرا که مردم شهرداری و مأمورین ط
 خود میدانستند و نمیخواستند بیجهت پای سربازان را ولر
 کنند. در حالیکه قبل از تقاطع این خیابان با فرح آباد، من
 مسلح بدست آنطور که کوئی دستوری تازه گرفته باشند، سه
 جیبها و چند پیکانی که در میدان پارک شده بودند، شده

جمعیت را رها کردند. چند پاسانی که باقی مانده بودند نیز بدنبال آنها و قبل از انتهای فلکه، از جمعیت جدا شدند. جمعیت کم کم سرعت افزوده بود در آخر بحالت دو سرب و سرشار از خشم خود را به شهرداری رساند، دیگر هیچ مأموری آنجا نبود و مردم گتیه نشسته های آپارتمان چند طبقه شهرداری را در هم شکستند و حتی آپارتمانهای مجاور آنرا هم بینصب نگذاشتند. و آنگاه بسوی ماشینهای شهرداری چند جیب و مینی بوس که در جلوی شهرداری پارک شده بود حمله ور شده، ابتدا نشسته های آنها را محسوس کرده و سپس با علی گویان آنها را واژگون کردند و با بنزین به آتش کشیدند. افراد شرکت کننده در این جریان تقریباً یکهزار تن بودند که ۲۰۰ تن از آنها نقش فعالی را ایفا میکردند. مردمی که از امکان شلیک سربازان هراس داشتند، میگفتند: جاوید شاه بگوئید، اما فقط آن گروهی که پای بیرجم گرد آمده بود، آنها هم فقط وقتی که مأمورین مسلح به همراهشان بودند این شعار را تکرار میکردند و پس، جمعیت در ست مشد اینکه وظیفه خود را بانجام رسانده باشند حالا آرام گرفته بود. اکنون پس از در هم شکستن و آتش زدن نشسته ها و ماشینها بود که زمزمه پلیس آمد، در میان مردم پخش بود و جمعیت با سرعت متفرق گردید.

ای پرچم انقلاب

بپنجه در سایه خویش کهتران را

ای کوکب سرخ / روشنی بخش

از جلوه خویش خاوران را

ای بهر قسره / پرده شکافی

فرستاده این توانگران را

ای داس دهانهای هنر کن

گردن بزن این همه اختران را

ای پتک نژاد کساوه بردار

تاج سر این سکهبران را

ای رنجبر دلیبر سرخیز

افسار به چنگ نه این خیره سران را !

هموطنان مبارز

به برنامه فارس صدای انقلاب عمان که هر هفته روزهای

شنبه دوشنبه چهارشنبه از ساعت ۹:۱۵ تا ۹:۲۵

روی موج کوتاه ردیف ۴۱ متر و ۲۵ متر پخش می شود

گوش دهید .

گفتارها از صدای انقلاب

هموطنان مبارز! کارگران ایران! بر شما!

موضوع مورد بحث ما درباره وظیفه روشنفکران در
کرات انقلابی نسبت به جنبش خود و مبارزات زحمتکشان
جامعه می باشد. بطور کلی باید در جوامع طبقاتی
روشنفکران گروه حساس و از لحاظ تکنوجیی راتشکیل
می دهند که بخشهای مختلف آن را هدایت و منافع طبقات
کوناگون جامعه قرار می گیرند. در تحت سلطه امپریالیسم
مانند ایران روشنفکران به دلیل باریز امکانات آموزش-
و مطالعات علمی و تحقیقی می توان سریع به مسائل و -
مشکلات بنیادی جامعه پی ببرند و بهی از این روشنفکران
در برهه سه کسب آگاهی و شناخت تحت تاثیر مبارزات خلق
به مبارزه کشیده شده و به جهت کم به توده ها و حقانیت
مبارزه آنان بیدار می کنند امکانات معنوی خود را در جهت

تأمین منافع توده‌های تحت ستم قرار می‌دهند. پس روشنفکر کمونشا طبقاتی غیر پرولتری دارد الزاما برای همیشه در مبارزه طبقاتی از بورژوازی و یا خرده بورژوازی جانبداری نخواهد کرد بلکه با شرکت در جریان پراتیک انقلابی می‌تواند مواضع طبقاتی خود را بنفع توده‌های تحت ستم تغییر داده و در مقام یک روشنفکر انقلابی به مبارزه طبقاتی پرولتاریا می‌پیوندد. بنابراین مبارزه جوتربین، آگاه‌ترین و صادق‌ترین عناصر موجود در میان روشنفکران آنهایی هستند که در خدمت تأمین منافع و تحقق آرمانهای انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان جامعه قرار می‌گیرند.

اما بخیر عظیمی از روشنفکران هر جامعه را دانشجویان تشکیل می‌دهند بنابراین گروه‌بندی سیاسی — طبقاتی موجود در سطح جامعه عینا بازتاب‌ماده خود را در میان دانشجویان بیشتر پیدا می‌کند. وجود ترایشات مختلف سیاسی در میان دانشجویان

خود بازتابی از گروه‌بندی‌های سیاسی جامعه است که در تحلیل
 نهایی نماینده منافع طبقات مختلف آن جامعه می‌باشند. به همین
 دلیل وقتی بحث پیرامون هدف‌های سیاسی فعالیت و مواضع
 مشخص سیاسی دانشجویان و روشنفکران مطرح می‌گردد، بلافاصله
 اختلاف نظرهای سیاسی و موضع‌گیری‌های متضاد بر حسب گروه -
 بندی‌های طبقاتی موجود در میان آنها پیش کشیده می‌شود. حتی
 اختلافات موجود بر سر مسائل صنفی و آکادمیکی در درون این
 جنبش یعنی مضمون و نحوه برخورد گروه‌های مختلف دانشجویی
 با شعارها و درخواستهای صنفی - آکادمیکی و همچنین هدف‌ها^ی
 نهایی که هر یک از گروه‌بندی‌ها از این مبارزات دنبال می‌کند
 به شدت تحت تأثیر کرایشات گوناگون و مختلف^{طبقاتی} و سیاسی موجود در
 این جنبش می‌باشد. واضح است که این گروه‌بندی‌ها اجتناب
 ناپذیر بوده و انعکاس از گروه‌بندی‌های طبقاتی و سیاسی
 موجود در جامعه می‌باشند که به مرور طی پروسه

های مبارزاتی شکر بالاخره مقام با بکامل قُضَب بندی -
 های طبقاتی و سیامعه به سمت اشکال قطعی تریض می رود -
 در چنین حالتی و این گروه بندیها بطور مشخص و ملموس
 با یکی از جریانات داخل جامعه همخوانی و هماهنگی
 نشان داده و حمایتیانی خود را در اختیار این جریان
 قرار می دهند . اما ر که گفتیم فعالین آگاه مدیرو مبارز جو
 در جنبش دموکراتیک ویا و روشنفکران آنها می هستند که
 در جهت خدمت به نشان جامعه حمایت و پشتیبانی خود را
 در اختیار سازمان و نمایندده پرولتاریا قرار داده و می کوشند
 تا چارچوب فعالیت جنبش را بر اساس معنی دموکراتیک -
 پرولتاریا قرار دهند که انقلاب کنونی ایران یک انقلاب
 دموکراتیک است و آنکه در این انقلاب بسرنگونی رژیم
 بورژوازی وابسته و د کلیه امپریالیستها مدافع است جنبش
 دانشجویی و روشنفکران بخش تفکیک ناپذیری از جنبش

انقلابی خلق می‌باید این شعار را در رأس مطالبات سیاسی خود طرح نماید. این ضرورت و خواست تاریخی جامعه تنها با بسیج نوده های وسیع کارگران و زحمتکشان و پیوند روشنفکران انقلابی با مبارزات خود بخودی آنها امکان پذیر است. این امر - بخصوص از آن جهت قابل توجه است که می دانیم پرولتاریات - پیگمترین و استوارترین نیروی دموکراتیک جامعه است و هیچ چیز نمی تواند مانع از آن شود که نه تنها با تمام قوا در انقلاب دموکراتیک شرکت نماید بلکه از نظر سیاسی در رأس آن قرار گرفته و دامنه این انقلاب را تا حدود بسیار وسیعی وسیع تر از هر نیروی دموکرات دیگر در جامعه گسترش دهد. بر همین اساس عناصر و هسته های مارکسیست - لنینیست فعال در جنبش روشنفکری - دانشجویی میهن ما خود بعنوان حاملین معرفت سوسیالیستی نقش مهمی در شکل گیری و سمت دهی جنبش جوانان و روشنفکران و دانشجویان داشته و ارتباط تشکیلاتی

آنان با سازمان یا حزب نماینده پرولتاریا چرخ لازم و تعیین -
کننده ای برای سمت گیری دقیق این جنبش حول شعارهای اصلی
انقلاب برای تبلیغ و تحکیم منشی انقلابی کمونیستی و گسترش مارکسیسم -
لنینیسم در میان این نیروها بشمار می رود .

به همین جهت حائز اهمیت است که امروز در شرایطی که -
تبلیغ و تدارک انقلاب تبلیغ و ترویج شعار سرنگونی رژیم حاکم
وابسته ایران و استقرار جمهوری انقلابی دموکراتیک خلق در دست
کار نیروهای مبارز قرار گرفته است، ما شاهد آن هستیم که -
دانشجویان و روشنفکران دموکرات جامعه در تظاهرات قهرآمیز
خود علیه رژیم حاکم ایران و برای نابودی آن شعار می دهند و با
اتخاذ تاکتیکهای جدید تظاهرات خود را به میان مردم کشانیده
و مؤسسات و مجامع امپریالیستی و بانکها و مؤسسات متکبر
دولتی را مورد حمله قرار میدهند، بعنوان مثال حمایت -
دانشجویان پیشرو از مبارزات مردم خارج محدوده بوسیله پخش

اعلامیه و سپس کارگاه‌ها در میان توده های دانشجوی دربارهٔ
مظالم و ستمهایی که بر توده های زحمتکش شهرها و ساکنان —
خارج محدوده وارد می شود نمونه جالب توجهی از این فعالیتها
است.

اعلامیه های مرتبی که از اوایل آبان در دانشگاه تهران
در رابطه با حمایت دانشجویان از مبارزات مردم خارج محدوده
منتشر گردید و اعلامیه هایی که در رابطه با مسائل کارگران
و زحمتکشان در ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۶ توسط دانشجویان انقلابی
دانشگاه تهران از میدان ۲۴ اسفند در امتداد خیابان آیت‌نهاد
پخش شد یا کشاندن مبارزات و تظاهرات دانشجویی به محلات
توده‌ای به جلوی کارخانه ها یعنی ادامه و تکامل تاکتیک جدیدی
که بخصوص از آذر ماه ۵۳ توسط دانشجویان دانشگاه تهران و
سپس در خرداد ۵۴ توسط دانشجویان دانشگاه تبریز و آنگاه
دانشجویان اکثر دانشگاه ها پیاده شد از جمله این اقدامات و

فعالیتها می باشد. در شرایطی که رژیم دست نشانده شاه -
 جنایتکار روز بروز بر شدت سرکوب و خفقان خود می افزاید و -
 دیکتاتوری فاشیستی و ستم بی حد اقتصادی خود را با شیوه های
 مزرانه تری توأم میسازد خلق ما و تمام نیروهای انقلابی و دمکرات
 و آزاد یخواه جهان شاهد مبارزات تداوم یافته و تظاهرات -
 توده ای دانشجویان مبارز ایران در شهرهای گوناگون در مح
 قل و مجامع علمی و هنری در دانشگاه ها و دانشگاهها و امه
 باز هم گسترده تر سنن طولانی مبارزات آزاد یخواهانه آنها علیه
 رژیم حاکم شاه و باند سرمایه داران وابسته به امپریالیسم می -
 باشد. امروز روشنفکران و دانشجویان دمکرات ما با مبارزه گسترده
 خود علیه رژیم حاکم ایران با مبارزه قهر آلود و تداوم یافته خود
 علیه مزدوران و گارد پلیس با خرد کردن مؤسسات وابسته و
 مزدوران امپریالیست با طرح شعارها مطالبات دمکراتیک و هم -
 چنین با نشان دادن هماهنگی و پیوستگی سیاسی و عملی مبارزات

خود با مبارزات انقلابی توده های زحمتکش خلق و بان
 صحنه این مبارزات از محدوده محافل هنری و صحنه ها
 به خیابانها، جلوی کارخانه ها و محلات توده ای نشاند
 که حقیقتا از مواضع استوار دموکراتیسم انقلابی حرکت از
 آگاهی سیاسی و روحیه انقلابی قابل توجهی برخوردار -
 مخصوصا تظاهرات عظیم ۲۵ و ۲۶ آبانماه گذشته دانش در
 مقابل دانشگاه صنعتی، تظاهراتی که به حمایت فعال چه
 و خیابان و شرکت مستقیم آنها در این تظاهرات منجر
 همه محافل تودهای و آگاه ایران و جهان به عنوان نگری
 از سرزندگی و شادابی انقلابی در میهن ما بعنوان نموی
 از برآمد موج انقلابی در سطح جامعه ایران انعکاسیده
 است. این تظاهرات مخصوصا از آن جهت دارای اهمیت
 تنها به عده کثیری از نیروهای آگاه و روشنفکر جامعه
 نمی شد بلکه مردم کوچه و بازار کارگران و زحمتکشان هم

فعالانه با حمایت معنوی و مادی خود از این تظاهرات و شعار
 "مرگ بر این حکومت فاشیستی" استقبال کردند و مشتاقانه به کمک
 صدومین و مجروحین شتافتند. برآستی که اوجگیری این مبارزات
 پر شور و تد اوم یافته و توده ای منعکس کننده خواستها و تمایلات
 طبقات زحمتکش و دموکرات جامعه یعنی پرولتاریا - دهقانان و
 توده های مبارز شهری می باشد.

هموطنان مبارز در ماههای اخیر همزمان با رشد و گسترش
 امواج تظاهرات و اعتراضات پر شکوه تنها بار دیگر در عمل ثابت
 گردید که جنبش دانشجویان و روشنفکران انقلابی ایران به درستی
 در پیوند و ارتباط فشرده با جنبش زحمتکشان جامعه قرار دارد. . .
 در واقع خود نوید بخش برنامه های پرشوری از اعتلا و رشد جنبش
 دموکراتیک و انقلابی در ایران می باشد.

"گسترده تر باد همگاری - هماهنگی و تماس مستقیم دانش
 جوان مبارز و روشنفکران دموکرات با جنبش توده های تحت ستم"
 گفتاری از برنامه فارسی صدای انقلاب عمان

طوفان خشم مردم سیل مهاجمی است که خاشاک و سنگ را از جای می کند

رود بزرگ سرخ توانا از راه می رسد .

هموطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، در رود پرشما، در ماههای اخیر رشد و اعتلای جنبش انقلابی شما بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم ایران نوید بخش آینده های تابان و شکوفان در ساختن ایرانی مستقل - آزاد و آباد بوده است . این خیزشها و اعتراضات جمعی و گسترده بخوبی بیانگر اراده - تاریخساز شما خلقهای مبارز برای در هم شکستن نظام وابسته - حاکم در ایران می باشد .

امروز توده های رنجبر و قهرمان ایران در زیر فشار اختناق و ترور رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن تسلیم نشد و همچنان پیکر پرورد اما استوار و تسلیم ناپذیر خود را برافراشته و با

نشانه گیری بسوی ارتجاع داخلی و حامیان امپریالیستی آن -
 مصممند که یکبار و برای همیشه یوغ بندگی و ذلت را از گردن و -
 دست و پای خود پاره سازند . این مبارزات قهرآمیز توده های
 از درگیری و اعتراضات رویاروی ساکنین خارج از محدوده تهران
 در برخورد با رژیم که مزدوران خود را برای تخریب خانه های
 این مناطق فرستاده بود آغاز گردید و در تداوم خود به تظاهرات
 خشم آلود مردم مبارز قیام دلاورانه تبریز و خیزشهای سرتاسری
 و یکپارچه ماههای اخیر انجامید . امتداد و ادامه این مبارزات
 تا خرداد ماه جاری بخصوص اعتراضاتی که برای بزرگداشت قیام
 خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صورت گرفت یکبار دیگر خاطره این
 روز تاریخی را در خاطره ها زنده کرد . اما از قیام پانزدهم خرد -
 داد ۱۳۴۲ تا خیزشهای گسترده و توده ای ماههای اخیر ،
 جنبش انقلابی خلقهای مبارز ایران راه بس درازی را پیموده است .
 اگر در پانزدهم خرداد ۴۲ رژیم توانست با غافلگیر نمودن جنبش

آنها شدیداً سرکوب و مطاع این بار در خیزشهای —
 ماههای اخیر ما نداشتیم که توده های زحمتکش ایران
 با توسل به عامل قهری انقلابی در برخورد به قوای ارتجاع
 با حفظ ابتکار عمل و شجاعت قهر آمیز و تهاجمی خود —
 مستاصل نموده اند. پایش مزدور رژیم خائن و وابسته به
 امپریالیسم شاه با استغالی کویتر و خودروهای نظامی به
 تظاهر کنندگان حمله بر آنها آتش می کشودند. رژیم
 در هراس و وحشت از جبهه ها مراکز بسیاری از شهرها —
 را مورد اشغال نظامی و نوعی حکومت نظامی قرار داد.
 اما توده های رنجبرزه جوی ایران دیگر از این
 ابزارهای سرکوبگر رژیم فاشیسم ندانند. آنها در این تعایش
 و خیزشهای تاریخی خود مرکز و ارگان وابسته به رژیم
 مزدور شاه و سرمایه دارا خارجی را با خاک یکسان
 کردند. اکنون مردم مبارز درستی به این حقیقت پی می

برند که تا سرنگونی کامل رژیم وابسته و قطع نفوذ کلیه امپریا -
 لیستها از ایران هیچیک از درخواستهای حق طلبان نمود موکرا -
 نیک آنها تامین نخواهد شد. آری جنبش انقلابی خلقهای ایران
 از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ماه ۱۳۵۷ سیر پرفراز و نشیبی را
 طی کرده است. مستگیری ضد امپریالیستی - ضد سلطنتی ایمن
 مبارزات و همچنین بکار برده شدن عامل قهر در این خیزشها
 بخوبی نمایانگر رشد و تکامل مبارزه ای است که از طرح شعارها
 و درخواستهای صنفی - اقتصادی به سطح شعارها و مطالبات
 سیاسی ارتقا یافته است. این اعتلا* نوین که از اولین علائمش
 لرزه بر پیکر رژیم دست نشانده شاه انداخته است می رود تا به
 یک طوفان عظیم انقلابی و سرتاسری برای برانداختن نظام حاکم
 ایران تبدیل گردد. در این میان رژیم مزدور پهلوی - برای
 سرکوب جنبش هر آنچه در توان داشته استفاده کرده است. از
 بگلوله بستن و بخون کشیدن توده های معترض تا دستگیری و

شکجه* میهن پرستان و بالاخره توسل به توطئه های گوناگون۔
 به خاطر رخنه در جنبش انقلابی و برای به انحراف کشیدن آن
 همه را آزموده ولی در همه زمینه ها با شکست مواجه شده است
 آخر مکر رژیم شاه مزدور می تواند به این وسیله هاب دست خود -
 تضاد ها و بحرانهای را که زاییده وجود و سلطه نامیمون
 خودش می باشد حل نماید . مگر کارگر ایرانی علی رغم کار و مشقت
 توان فرسایی که روزانه متحمل می شود از عدم تامین اجتماعی
 و ابتدائی ترین نیازهای زندگی یعنی نان و مسکن و آزادی رنج
 نمی برد . مگر دهقان ایرانی از فقر و بیدری و عدم برخورداری از
 حاصل دسترنج خود بی تنگ نیامده است . مگر سایر زحمتکشان -
 ایران از پایین بودن سطح دستمزدها - گرانی سرسام آور ارزاق
 و فشار اختناق و اجحافات دستگاههای دولتی بستوه نیامده اند .
 مگر دانشجویان مبارز و روشنفکران دموکرات ایران از شدت -
 استبداد و ترور رژیم سرمایه داری و حاکمیت امپریالیسم پر تمام
 وابسته

شرایان های حیاتی کشور برآشفته نشده اند. آیا در چنین شرایطی رژیم پارتی و سرسپرده شاه خائن می تواند خشم و نفرت آنان را از نظام حاکم فرو نشاند و با دادن مانورهای تودهای خلق را از مبارزه برای تامین حقوق حقه و ابتدائی خود بازدارد. رفاه و تامین اجتماعی و آزادی واقعی و قوی برای خلقهای تحت ستم ایران فراهم می شود که رژیم سرمایه داری وابسته به — امپریالیسم شاه به تمام معنا سرنگون گردد و بجای حاکمیت بورژوازی وابسته حاکمیت خلق حاکمیت کارگران — دهقانان و سایر زحمتکشان جامعه برقرار گردد.

در چنین دورانی که بیشتر از هر زمان دیگر شرایط برای بسط و گسترش مبارزه انقلابی بخاطر فراهم نمودن زمینه های مناسب برای انجام انقلاب دموکراتیک مساعد می باشد باید با — سازماندهی قهرانقلابی توده ها سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم را تدارک دید. به همین جهت کلیه عناصر و نیروهای آگاه جامعه

و بخصوص مارکسیست-لنینیستها می بایست در این شرایط خطیر
 کلیه امکانات و نیروهای انقلابی خود را بکار سیاسی و تشکیلاتی
 در میان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان جامعه اختصاص دهند.
 این موضوع بخصوص از آنجهت قابل توجه است که در شرایط
 کنونی جنبش خود بخودی توده ها فراتر از جنبش متمرکز و سازمان
 یافته انقلابی و کمونیستی حرکت می کند. جنبش حق طلبانه و
 انقلابی خلق هم اکنون فاقد ستاد رهبری واحدی می باشد
 این امر نشانه ضعف بزرگی است که جنبش دموکراتیک و انقلابی
 خلق را به خطر می اندازد. — خرد نگاری و انحراف تهدید می کند.
 زیرا بدون پرورش سیاسی توده ها بدون سازماندهی توده های
 خلق بدون ایجاد تشکیلات منضبط سیاسی بدون برخورد اری از
 رهبری سازمان واحد و نمایندگی انقلابی طبقه کارگر یعنی حزب
 کمونیست امر انقلاب دموکراتیک و سرنگونی رژیم ارتجاعی وابسته
 به امپریالیسم تحقق نخواهد پذیرفت. انقلاب دموکراتیک ایران

تنها بدست توانای توده های تحت ستم و از طریق سازمان های سیاسی نمایندۀ آنها و تحت رهبری حزب پرولتاریا می تواند به ثمر برسد. بنابراین در اوضاع و احوال کنونی عمده ترین وظیفه — انقلاب بیون راه یافتن به دریای پرجوش و خروش توده ها، آموختن از آنها و مقابله آموزش آنها می باشد تا زمانی که توده های عظیم و رنجبر ایران از آگاهی سیاسی — طبقاتی و همچنین اهرمهای تشکیلاتی لازم برای تحقق بخشیدن به امر انقلاب — برخوردار نباشد نمیتوانند نظام حاکم را سرنگون سازند. اکنون پانزده سال از تجربهای که نیروهای انقلابی خلق در پانزده — خرداد ۱۳۴۲ در این زمینه بدست آورده اند می گذارد و لسی متاسفانه هنوز نیروهای انقلابی نتوانسته اند با کارگران — دهقانان و سایر زحمتکشان جامعه پیوندی عمیق و نزدیک برقرار نمایند. آری بدون کارآگاهانه سیاسی در میان زحمتکشان بدون تشنگ و سازماندهی مبارزات خود بخودی توده های خلق، بیون

بردن آگاهی سوسیالیستی میان کارگران و بالاخره بدین برقراری
ارتباط مستقیم و فشرده با توده ها نمی توان مانع از سرریز —
پندیری جنبش شده در شرایط کنونی که از یک طرف شاهد برآمد
ورشد فزاینده و مبارزات و اعتراضات توده های میلیونی خلق و
مقابله با عدم ارتباط فعال و مستحکم انقلابیون و پیروزمونیستها
با جنبش خود بخود و زحمتکشان هستیم و از طرف دیگر می بینیم
که عناصر و جریانهای امپریال و سازشکار می کوشند تا با بد نهال
کشیدن جنبش آنرا وسیله معامله و زد و بند خود با هیئت حاکمه
و محافل امپریالیستی قرار دهند چه امر دیگری می تواند حیاتی
تر و ضروری تر از کار برحصوله سیاسی — تشکیلاتی در میان
توده های میلیونی خلق و بخصوص کارگران برای هدایت جنبش
انقلابی و مکرانیک به سرمنزل واقعی خود باشد .

بنابر این در شرایط کنونی فعالیت همه جانبه تئوریک سیاسی
و سازمانی برای پیوند با جنبش طبقه کارگر و توده های تحت

ستم در صف تمام انقلابیون میهنمان قرار دارد.
 وقتی کمن و توایران چون تشنه ای که سخت فرو
 ماند در کوپوشنگ و سازماندهی می خواهد که باید که
 تمام هستی در راه آزادی خلق رها سازیم.
 گفتاری از برنامه فارسی صدای انقلاب

هموطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود
 در گذشتار امروز خود بود چه سال جاری را ناکثر -
 سال گذشته توسط دولت تاجران رژیم وابسته به امپراطور
 خائن طرحریزی و تصویب گردید مورد بررسی قرار میبررسی
 امار و ارقام موجود در بودجه از آن جهت فایده نوجکه
 می تواند به بهترین نحوی ما را در جریان برنامه و ای -
 اقتصادی - اجتماعی و نظامی حاکم قرار دهد . دانش
 دهد صحیح از این طرحها برای شناختن ماهیت سی
 اقدامات دشمن و در نتیجه برای افشا نمودن دقین
 افراد ضد خلقی امری است لازم و ضروری تجزیه و بودجه
 هایی که در نظامهای طبقاتی از سوی دولتها طرح شود
 بخوبی ماهیت واقعی این رژیم ها را پمانشان دادند
 مینماید که چه خط مشی ای در تنظیم این بودجهها
 شده و نهایتا در خدمت اهداف و نیازهای چه اقتصادی

از جامعه میباید .

اکنون مهمترین جوانب بودجه سال جاری را مورد بررسی قرار میدهیم . شاید بارها از طریق ارگانهای تبلیغاتی رژیم شنیده باشیم که طراحان اقتصادی دولت بودجه امسال را - بودجه ضد تورمی نامیده اند . آموزگار بارها گفته است که مهار تورم تثبیت اوضاع نابسامان اقتصادی و در پیک کلام فرو نشاندن بحران فلج کننده اقتصادی بحرانی که نرخ تورم آن حدود ۲۳٪ بوده است اجزای اهداف این بودجه میباشد . اما ببینیم که این هدف چگونه و به چه بهایی دنبال شده است . حدود - تورم با آن شتاب و مقداری که در ایران وجود دارد به معنای گرانی سریع و افزایش طاقت فرسای ارزاق عمومی و چند برابر شدن هزینه های زندگی در مدتی کوتاه میباشد .

رژیم ارتجاعی حاکم در ایران به بهانه اینکه از زیاد در آمد سالانه یعنی بالا بودن سطح دستمزدها عامل بوجود

آورنده تورم است کوشیده تا علیرغم افزایش قیمت‌ها از افزایش
 سطح دستمزدها جلوگیری بعمل آورد. به عبارت دیگر رژیم
 سرمایه داری حاکم در ایران با مستمسک قرار دادن این مشکل
 که انفجار مصرف یعنی افزایش بیش از حد تقاضای خرید در -
 مقابل کمبود عرضه کالاهای مصرفی موجب بروز تورم یعنی افزایش
 سریع قیمت‌ها شده می‌کوشد با توسل به سیاست‌های انقباضی
 قدرت خرید توده های خلق را کاهش دهد. بدین ترتیب است
 که بار سنگینی بحرانهای اقتصادی که به صورت تورم و با رکود
 ظاهر میشود یکی از عارضه های علاج ناپذیر سیستم اقتصاد سر
 مایه داری است. ولع و طمع بی حد و حساب انحصارات -
 امپریالیستی و سرمایه داران کمپادور برای رسیدن به سود -
 بیشتر موجب میگردد که سنگینی بار این بحرانها مستقیماً بدوش
 نیروهای مولده یعنی کارگران - دهقانان و سایر زحمتکشان
 منتقل گردد. آنها هرگز حاضر نیستند که از میزان سودهای -

کلن و تصاعدی خود بکاهند . به همین جهت است که در بودجه سال جاری کوشش برآمد که از طریق افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بار سنگینی بحران و اقتصاد ناموزون و شکسته سیستم بر روی توده های وسیع خلق سرشکن گردد .

آموزگار علنا به هنگام طرح مفاد بودجه سال جاری در مجلس اعلام نمود که این بودجه نشان میدهد که دولت تصمیم گرفته است از طریق افزایش مالیاتها به این هدف برسد . طبق آمار و ارقامی که بطور رسمی از طرف دولت منتشر شده اند در سال جاری ۱۹۳ میلیارد ریال بیشتر از سال قبل مالیات دریافت می شود . این بدان معنی است که ۶۱۴ میلیارد ریال از هزینه کل بودجه امسال از طریق مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تامین می شود . این مقدار از مالیات ۶٪ بیشتر از مقدار مالیات دریافت شده در سال گذشته و ۷۸٪ بیشتر از مقدار مالیات دریافت شده در دو سال پیش میباشد . پس در سال جاری

۱۹۳ میلیارد ریال بیشتر گذشته از مردم مالیات دریافت خواهد شد. اما نکته جالب اینجاست که از کل این مقدار مالیاتی که می‌باید دریافت‌ها ۲۷۶ میلیارد ریال آن - بطور مستقیم و بقیه یعنی لیارد ریال آن بطور غیر مستقیم دریافت می‌شود. علت اهمیت موضوع در آن است که افزایش مالیات‌ها و بخصوص افزایش‌های غیر مستقیم به این ترتیب است که مردم با ازدیاد مالیه که بر ارزاق عمومی و کالاهای اولیه مانند قند - چای - گوشت - لبنیات - پارچه و غیره می‌بندد مستقیماً موجبیت قدرت خرید تولیدهای فقیر و معضارت دیگر دریافت‌بیشتری از درآمد ناچیز آنها می‌گردد. به همین جهت است که می‌گوئیم از دیاد مالیات‌ها بطور مستقیم فشار بحران و تورمی را بر دوش افراد و طبقات زحمت‌کش جامعه سرشکن می‌طبق آماری که در کیهان ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۶ منتشر شد کنندگان کالاهای وارداتی،

حقوق بگیران صاحبان مشاغل و اصناف جمعا ۳۴۱/۸ میلیارد ریال مالیات خواهند پرداخت. در صورتیکه شرکتهای خصوصی و دولتی تنها ۱۴۳ میلیارد ریال مالیات من پرداختند. این خود بدان معنی است که در سال جاری توده های کارگر و دهقانان و اقشار متوسط شهری جمعا حدود ۲/۵ برابر بیشتر از سرمایه داران بخش خصوصی و دولتی مالیات خواهند پرداخت. همچنین طبق آمار منتشر شده در همین شماره از کیهان در سال جاری میزان مالیات بر ثروت نسبت به سال گذشته ۸٪ کمتر خواهد شد. این نکته نیز بخوبی نشانده حمایتی است که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن از انباشت ثروت در دست عده ای محدود از سرمایه داران موجود در طبقه حاکم بعمل میآورد. اکنون ببینیم بودجه ای که بدین طریق از درآمد ناچیز توده های زحمتکش و همچنین به کمک غارت و تاراج منابع زیرزمینی و بخصوص نفت تهیه میگردد مصروف چه

امورات و اهدا می‌کرد. رژیم مزدور شاه برای حفظ منافع اربابان امپریالیستی خود بخش عظیمی از این بودجه را صرف ارتش - پلیس و ساواک می‌کند تا ضمن سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران به عنوان ژاندارم امپریالیسم در منطقه به پاسداری منافع و سلطه غارتگرانه امپریالیستها پیروز شود. طبق آمار منتشره در اطلاعات ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۶ در سال جاری بودجه ای معادل ۷۰ میلیارد تومان برای ارتش در نظر گرفته شده است که کلاً ۱۳٪ از کل بودجه را شامل میشود. البته این مبلغ کفاف که صرف امور دفاعی کشور میشود از کل هزینه های سرسام آوری برای گردانیدن ابزار سرکوب رژیم همچون ژاندارمری - شهرانی - ساواک و اداره امور زندانها بکار گرفته میشود. بسیار کمتر است. طبق آمار رسمی که از طرف دولت انتشار یافته مجموع بودجه ای که برای امور دفاعی، امنیت داخلی و انتظامات در نظر گرفته شده بسیار بیشتر از مجموع بودجه ای است که برای

تأمین مسکن - بهداشت - آموزش و پرورش - درمان و تغذیه
و سایر امور عام المنفع اختصاص یافته - کیهان ۱۶ بهمن ۱۳۵۶
اعتبار کل این بودجه هارا برابر با ۶۷/۹ میلیارد تومان دانسته
است حال آنکه تنها بودجه دفاعی برابر با ۷۰ میلیارد تومان
است.

هموطنان مبارز بررسی دقیقتر آمار و ارقام موجود در بودجه
امسال مستلزم وقت بیشتری است اما در همین مختصر تحلیلی
که ارائه گردید ماهیت واقعی رژیم سرمایه داری وابسته به
امپریالیسم شاه و سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی آن بخوبی
نمایان است. بنابراین بودجه امسال دولت آموزگار نیز مانند
بودجه هایی که در سالهای گذشته توسط دولت هویدا تهیه
می شد بر پایه غارت منابع خلق و استثمار توده های زحمتکش
ایران طرح ریزی شده است.

هموطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما !
 ما در برنامه های گذشته خود ضمن بررسی اهمیت
 تاریخی مبارزات قهرآمیز و تاریخی شما که در ماههای اخیر از
 رشد و اعتلای قابل توجهی برخوردار بوده است، به تحلیل -
 اختلافات درونی طبقه حاکمه و همچنین دساتیر و توطئه‌ها می
 که هر یک از دو جناح موجود در هیئت حاکمه برای سرکوب نمودن
 و به انحراف کشیدن جنبش طرد ریزی نموده اند، پرداختیم.
 در بحث امروز خود برای کامل کردن گفتارهای گذشته به بررسی
 جناح بندیهای موجود در طبقه حاکم ایران و همچنین اختلافات
 درونی آنها می پردازیم. مقدماتی بایست یکبار دیگر این
 نکته مهم را خاطر نشان کنیم که رشد اختلافات درونی هیئت -
 حاکمه و بروز شکاف و ترک در میان آن تحت تاثیر مستقیم
 مبارزات انقلابی و قهرآمیز شما بوده های مبارز ایران بر علیه
 رژیم نازاجگر و وابسته به امپریالیسم شاه خائن می باشد. شدت

یافتن بحرانهای اقتصادی رژیم و بروز مسائل و دشواریهای روز -
 افزونی که مجموعاً امنیت سرمایه گذاری و تضمین سود دهی بخش
 سرمایه داری خصوصی و خارج از باند شاه را به شدت به خطر
 می اندازد و همچنین تعدیلی که در تعادل نیروهای جنا -
 حهای مختلف امریالیست آمریکا بعد از سقوط نیکسون و سپس
 شکست فورد و پیروزی کارتر بوجود آمد، مجموعاً اختلافات درونی
 طبقه سرمایه دار ایران را شدت بخشید و در روند خود به -
 افزایش مطالبات و رقابت های باند مفلوب علیه باند غالب و -
 تشدید شکاف قشر های مختلف سرمایه داری متوسط یا رژیم حاکم -
 کم و باند شاه منجر گردیده این پروسه یعنی تشدید اختلاف و
 پیدایش شکاف در طبقه سرمایه داری و هیئت حاکمه همانطور که
 به هیچ وجه نمی توانست از پروسه مبارزه طبقاتی توده های
 زحمتکش و نیروهای انقلابی جامعه علیه رژیم شاه و سرمایه -
 داری حاکم ایران جدا باشد به همان ترتیب نیز نمی توانست

خود متقابلا در تشدید مبارزه مردم علیه همین رژیم موثر —
 واقع نشود. بدین ترتیب پیدایش اولین علائم شکاف بلافاصله
 توسط غربیزه* حساس‌توده‌ها ضبط‌شده و بطور ناخود آگاه موجب
 شدت دادن به حرکتهای مبارزاتی آنها می‌شود. متقابلا
 اختلافات درونی هیئت حاکمه و طبقه* سرمایه‌داری ایران بنوعی*
 خود تحت تاثیر اوجگیری مبارزات اقتصادی و سیاسی توده‌ها
 شروع به رشد میکند. اوجگیری مبارزه برای تامین حداقل زندگی
 در شرایطیکه تورم ۳۳٪ از درآمد ناچیز را چون برآب در آفتاب
 تابستان ذوب می‌نمود.

اوجگیری مبارزه برای مسکن در شرایطی که اجاره* و اطاقی
 معمولی بیش از ۵۰٪ درآمد متعزب یک کارگر متخصص را به خود —
 اختصاص می‌دهد و اعتلای مبارزه برای آزادی در فضای خفقان
 گرفته از حکومت سرنیزه و فشار مانعین رژیم پلیسی — اداری و ارتشی
 باند شاه برگزیده* مردم به هر صورت نمی‌تواند در طبقه سرمایه

داری منعکس نشده و موجب اختلافات و شکاف و نهایی
یتا تلاشی و خدات آنان که برپه پذیر منافع گروهی و -
فردی قرار دارد، نمود .

همانطور که این مبارزات صورت نمی تواند بورژوازی
لیبرال را وادار نماید که حدود زیانی خواستار آزادی
و دیکراسی و تغییر و تعدیل پذیری نشود ، بنابراین طبیعی
است که این فشارها شاه و باو اما بر قدرت او را وادار
میسازد تا برای مقابله و پیشگام حرکتی به تصاعد امواج -
مبارزه تودهای به جلوگیری از این شکاف در هیئت حاکمه
بپردازد . زیرا فشار محافل مغایلیستی و تشدید شکاف در هیئت
حاکمه و رشد اختلافات در دهه بورژوازی ایران همراه با
تشدید مبارزه توده ها و تایل این روند خود در مرحله
اول تلاشی قدرت مخالفه همراه دارد به همین دلیل
شاه به سمت طرف مقابل حیثیت حاکمه نزدیک شده و -
حاضر به دادن امتیازاتی به ول نمود نسبت به اقتدار

متوسط و پایین طبقه بورژوازی ایران می شود . نکته که در این رابطه قابل توجه است این است که جناح فلوب هیئت حاکمه در عین حال سعی دارد رهبری بخشد - پایین تر بورژوازی یعنی بورژوازی - لیبرال را حتی بدست گرفته خود را نمایند و سخنگوی کل طبقه بورژوازی امداد نماید .

به همین دلیل در وهله اول سعی دارد رایوز را در مبارزه با جناح حاکمه به این قبیل گروهها تنزیل کردن و آنها را از هر گونه تظاهرات مخالفت آمیز حبه شاه منع نماید . نطق های مفصل انصاری د اثر بروای گفت و شنود و دعوت نیروهای مخالف تنها به شستن نوع مخالفت و اینکه جواب جماعی اجبارا چنان است داشته ترس و وحشت شدید باند مزدور دیگر هیئت حاکمه راه - ها ، گرایش شدیدا ارتجاعی و شراکت تا مغز استخوان با

انحصار را توسط سرمایه های امپریالیستی نشان می دهد. این عده را نیز دنبال مینماید که بخش های متوسط و پایین بورژوازی را به دنبال خود کشیده و آنان را تحت رهبری خود قرار داده بدین ترتیب در اینجا و در پروسه جریان مبارزهای که در خود طبقه بورژوازی ایران جاریست باید دو جریان مخالف جناح شاه را تا حدی که در ماهیت اختلافات و تفاوت آنها بیشتر از حد اختلاف دو قشر و دو گروه اجتماعی از یک طبقه انزای نشود از یک دیگر تمیز داد.

جریان اول عبارت است از مبارزه جناح مغلوب هیئت حاکمه که اساساً نمایندگان بورژوازی بزرگ وابسته به امپریالیسم بود، و قشر فوقانی بخش خصوصی را تشکیل میدهند. تضاد آنها با — جناح شاه و باند سرمایه داران وابسته به او از یک طرف انعکاس در تضاد های مربوط به جناحهای مختلف امپریالیستی در سرمایه داری کمپرادور و بورژوازی ایران است.

و از طرف دیگر ناشی از مبارزه برای تخصیص سود ذاتی همتگفت -
 انحصاری و حق دلالی که به قدرت و اتوریته شاه عهدنا پیچید
 سرمایه داران باند او سرازیر می شود. به عبارت دیگر این مبارزه
 عبارت است از مبارزهٔ یک انحصارگر کوچکتر علیه یک انحصارگر -
 بزرگتر و قدرتمندتر. این جناح که مانند جناح خود شاه نیروها^ی
 بسیار کمی را نسبت به کل طبقه سرمایه داری ایران تشکیل می -
 دهد همانطور که گفته شد به آن دلیل که عهدنا مالک عهد -
 ترین سهام و سرمایه صنایع و موسسات مالی انحصاری در بخش
 خصوصی بوده و بطور بارزی با سرمایهٔ امپریالیستی در ارتباط
 هستند اساساً فاقد هرگونه گرایش شرقیانه یا حتی ضد دیکتاتوری
 بوده و موضع مبارزهٔ آنها بر سر قدرت با جناح شاه اساساً
 عبارت است از حاکمیت مصالح این جناح یا آن جناح از سرمایه
 داری جهانی در اقتصاد و سیاست ایران. تنها نیت دیکتا -
 توری و خفقان حاکم بر ایران و انحصار طلبی مطلق شاه در همهٔ

زمینه هاست که ممکن است بنادرستاین باند سیاه دوم را در -
مقابل باند حاکم شاه در حد يك ليبرال متعارف مرقی جلوه دهد .
پخن شده از رادیو صدای انقلاب عمان

هموطنان مبارز! کارگران شان ایران! درود بر شما!
ما در برنامه گذشته وادان تحلیل از سازمان -
مجاهدین خلق ایران در ثقات درونی هیئت حاکمه و
بروز علنی مخالفت‌های روزوال در ایران گفتیم که بد نبال
سرازم شدن جریان پول شی از هیئت حاکمه علیه عهد م
توازن قدرت سیاسی بین ما باهم و در کنار یکدیگر به
چپاول ثروت خلق و کسب کلان پرداختند .

در این دوره بخش دینداران آن در هیئت حاکمه
یعنی بخش مغلوب هیئت‌ها جزئی از قدرت سیاسی و
جزء نسبتاً بیشتری از قدرت را در دست دارد . در حالی
که دستگاه‌های پلیس - ارتش‌های مهم دیگری از قدرت
سیاسی - اداری مثل نری - وزارت خارجه - وزارت
کشور از جمله نیروها و ساز هستند، که دقیقاً بطور کامل

در دست بخشهای غالب هیئت حاکمه
 قرار داشته و کمتر از همه نفوذ بخشهای
 دیگر بورژوازی را پذیرفته اند. این نیروها
 و سازمانها اساساً و بطور سنتی هنوز هم
 در حیطه فشرده و تسلطی چون و چرای
 شاه و پادشاه محدود و در بالاترین نقطه
 قرار دارند. از طرف دیگر در خارج از
 هیئت حاکمه بورژوازی کمپرادور بخشهای
 دیگر بورژوازی ایران، بورژوازی متوسط قرار دارد که علیرغم
 داشتن کثرت عددی و پایه وسیع اقتصادی و تولیدی
 و همچنین علیرغم نفوذ و قدرت نمایندگان آن در دستگاههای
 آموزشی و فرهنگی کشور و در برخی از ادارات و مؤسسات نوین
 در بخش مهمی از وسائل ارتباط جمعی، در شهرداریها، انجمن
 های شهر، شهرستانها و حتی در مجلس شورای تقریباً هیچگونه

شرکت موفتری در قدرت سیاسی حاکمه نداشته و اراده را بطور مستقیم در هیئت حاکمه ایران منعکس نمی سازد. جریان پول - نفت بر مازهای این بخش از سرمایه داری ایران و اختلاف آن با قدرت - ایدئولوژیک - میثاد ارت و به رشد باز هم وسیع تر این فشار و تبعات ایدئولوژیک نقش بیشتر در ماشین اقتصاد بورژوازی جامعه منجر می شود. بدین ترتیب بخش اعظمی از طبقه بورژوازی ایران در حالی که از نظر اقتصادی - فنی - آموزشی و فرهنگی روز بروز حاکمیت بیشتری می یابد و نقش بیشتری در کل سیستم تولید بورژوازی ایفا می کند اما از نظر سیاسی - اداری و نظامی تقریباً سرزد قدرت را از دست می دهد. ما را است همانند دور که گفتیم بورژوازی متوسل با انحراف اصولانیزمی را در قدرت حاکمه تشکیل نمی دهد و در عین حال سیاسی بخش دو بورژوازی کبرادور - نیز به هیچ وجه قابل اتکاست یا نه بدایم و قدرت فائده بخش اول بورژوازی یعنی نهادهای نهاده نیست. از اواخر سال ۴۵ کم کم

زمره های مخالفت و برخی انتقادات آغاز می شود بطوریکه هویدا نخست وزیر وقت علنا مجبور میشود در مجلس اعلام دارد که کسانی که در مورد مسئله فرماندهی واحد ایران یعنی نقش شاه چند و چون بکنند در زیر چرخهای اراده مردم خرد خواهند شد.

چیزی به از این و بدین ترتیب به اولین حرکت جدید مخالفت آمیزی که از میان طبقه بورژوازی جرات کرده بود راجع به برخی سیاست های دولت و باند شاه مخالفتهایی ابراز دارد چنگ و دندان نشان داد بود اما علیرغم این توپ و تشر اختلاف مابین بخش های بورژوازی ایران مخصوصا بین قشرهای وسیع بورژوازی متوسط و بخش مغلوب هیئت حاکمه در میان بورژوازی بزرگ حاکم از یکطرف و باند شاه از طرف دیگر همزمان با اوجگیری بحرانهای اقتصادی داخلی و مقارن با تغییراتی که در تعادل نیروهای حاکم از یک طرف و باند شاه از طرف دیگر همزمان با اوجگیری بحرانهای اقتصادی و مقارن با تغییراتی که در تعادل نیروهای حاکم

امپریالیستی و ایالات متحد در داده بود، تغییراتی که تجدید مهم در جناح سندی بین جناحهای امپریالیستی و کاربردی شیوه های جدید تسلط را ایجاد کرده بود خدت و وسعت گرفت. — بحران تورم و گرای سرمایه دستان مسکن — زمین — خاموشی بوی و ضرر و زیانهای آن نارسائی شبکه حمل و نقل بنابر تغییرات وسیع (۰۰۰۰۰۰۰) رزم سرمایه سرمایه داران خارج از پساند شاه تصویب نامه «امپراتور» دولتی که بار این بحران را علاوه بر دوش مردم می خواست تا اندازه ای بر بخش خصوصی و غیره جا کم بورژوازی نیز سوار می نماید، شنیدند و قایت بر سر توخ سود — بین جناح شاه و جناحهای دیگر سرمایه داری و آشکار شدن — چشم انداز جد و ناز ادامه سیاستهای یکجانبه شاه در — مورد مسائل اقتصادی و حتی «سیاسی» این مسائل بشوریکه بقای بیشتر حکومت او و پایداری ایجاد شود شکست پروژه های مختلف (۰۰۰۰) اقتصادی و عقب ماندگی و وضعیت بحرانی

و ناهنجار کشاورزی فشار و رشوه خواری شدید دستگاه بورژوازی و دربار، نبودن امنیت اقتصادی از نظر تغییر مرتب و منظم قوانین گمرکی و صادرات و واردات و مالیاتی و غیره و همچنین تغییراتی که در موازنه نیروهای حاکم در آمریکا بوجود آمد مجموعاً زمینه های مادی - اقتصادی و سیاسی است که اختلاف بین بورژوازی متوسط با قدرت حاکم از یک طرف و اختلاف بخش دوم هیئت حاکمه با بخش اول از طرف دیگر را روز بروز - بیشتر دامن میزند. همانطور که گفته شد طبقه حاکم در ایران - دارای دو بخش اساسی است :

بخش اول که جزء کوچک اما قدرتمند آنرا تشکیل می دهند عبارت است از بخشی از بورژوازی بزرگ انحصارگر مالی و صنعتی و بیشتر مالی وابسته به امپریالیسم مالکین بزرگ ارضی و تمام یا عمده - بورژوازی بورژوازیک یعنی رؤسا و مدیران مالی مؤسسات دولتی که وابسته به پادشاه و دربار و دست نشاندهان و دلالتان

مستقیم امیرالایم در بخش مختلف اقتصادی مالی - ادار^ی -
 - پلیس ارتش و غیره می باین بخش که در راس آن شاه -
 دربار و شرکا قرار دارند و حاکمه ایران قدرت اصلی را
 در دست داشته و نیروی ام دولت در اختیار آنهاست.
 این بخش که تا قبل از روی ن کارتر به حمایت باند نیکسون
 - کمینجر - هلفز متکی بود و هدفهای اربابان آنها
 را که شامل عده ای از بزرگکشیهای چند ملیتی و انحصا-
 رات نظامی می شوند، در آینده گی می کنند. بخش دوم
 سرمایه داری کمپرادور حاکمان شامل عده ای از بزرگترین
 سرمایه داران بخش خصوص و در رشته های صنعت -
 تجارت - بانگاری - بیمه و کشاورزی بزرگ صنعتی
 بخش مهمی از بازار را در دست انحصارات مالی و صنعتی
 وابسته به آنها بنما در سرمایه داران باند شاه -
 فعالیت میکند. با آنکه سرمایه بخش سرمایه داری کمپرادور

حاکم در ایران بنحوعمیقی با یکدیگر پیوند خورده است معذرا
 لك سرمایه داران بخش اخیر مخالف توسعه قدرت بوروکراسی
 سرمایه بورکراتیک و نقشه ها و مخارجه تسلیحاتی شاه و باند
 او هستند. همینطور مقررات و مصوبات گمرکی و دولتی که عموماً
 نفع سرمایه داران باند شاه را در نظر گرفته و منافع آنان را در
 درجه دوم اهمیت قرار میدهد نمی تواند مورد مخالفت آنها
 نباشد. این بخش بطور مغلوب در هیئت حاکمه و اداره مملکت
 سهیم بوده و بطور مستقیم در عالیترین ارگان حاکمه یعنی دولت
 دارای نمایندگی و قدرت است. باند انصاری و گروه لیبرال سازنده
 حزب "رستاخیز" که البته نام لیبرال آنها بنا به تأمین رضایت
 خاطر "ملوکانه" بعد از مدتی حذف شد و بصورت "فاهر الخلقه"
 سازنده باقی ماندند، را میتوان تا حدودی نمایندگان همین
 بخش دانست این بخش دارای ارتباط مستقیم با انحصارات
 امپریالیستی بوده و مجموعه گروههای مختلف آنرا می توان متناظر

با بخشهای دیگر سرمایه داری انحصاری آمریکا که مخالفست
 آنها باند نیکسون - کسینجر - هلمز را از سر راه برداشت -
 دانست و هم میهنان مبارز دنباله این مطالب را در برنامه -
 آینده به سمعان خواهیم رسانید .

هموطنان مبارز! کارگران و زحمتکشان ایران! درود بر شما!
 در ماههای اخیر همزمان با اوجگیری مبارزات گسترده
 و قهر آمیز شما بر علیه رژیم سرسپرده و وابسته به امپریالیسم عمال
 و مزدوران رژیم به طرح ریزی توطئه ها و نقشه های جدیدی
 برای سرکوب نمودن و به انحراف کشیدن این مبارزات پرداخته
 اند. ما در بحث امروز خود این اقدامات توطئه گرانه رژیم خائن
 شاه را مورد بررسی قرار می دهیم:

در فروردین ماه گذشته پس از حرکت در آمدن موج وسیع
 اعتراضات و تظاهرات خشم آلود شما توده های مردم زحمتکش
 یکی از دو جناح موجود در حزب فاشیستی رستاخیز طرح تشکیل
 کمیته های ۳ اقدام ملی^{نه} را پیشنهاد نمود و جناح دیگری حیل گرا^{نه}
 برای به سازش کشیدن جنبش از در دیگری وارد شد و "ضرورت"
 حرکت به سوی آزادیهای بیشتر و عمیقتر را مطرح کرد. به عبارت
 دیگر این توطئه ها در بر گیرنده "دوشبیه و دو نوع مخالف

از تدابیر ضد انقلابی، بورژوازی وابسته ایران می باشد، که یکی علنا خواستار اعمال خشونت و شدت عمل نسبت به این خیزشها و اعتراضات است و دیگری مزورانه از روی حيله و تیرتک طرحها ی پیشگیرانه خود را در لباس خون آب و رنگی چون "ضرورت باز نمودن فضای سیاسی و ایجاد محیط آزادی و تحول دموکراتیک" را مطرح می نماید. جناح "پیشرو" حزب فاشیستی رستاخیز که نماینده جناح بورکراتیک دولت و باند سرمایه داران وابسته شاه و دربار است در بیان وظایف کمیته های "اقدام ملی" چنین — مطرح نمود که وظیفه آنها "مقابله و شدت عمل در برابر خیزش ها و اعتراضات توده ای می باشند". طبق این طرح خیانتکارانه این کمیته ها می بایست بر اساس پیشگیری و مقابله با تظاهرات توده های بسیج شوند تا همزمان با بروز اعتراضات وسیع و ضد رژیم شما با تهیو جمع آوری اطلاعات و از طریق جاسوسان و عمال رژیم تدابیر خائنانه و ردیلانه ای برای مقابله و سرکوب —

جنبش تهیه نماید. اما جناح "سازنده" حزب فاشیستی رستا -
 خیز که عمدتاً در برگیرنده سرمایه داران بزرگ بخش خصوصی
 است در بیانیه ای که در ۱۷ فروردین ۵۷ انتشار داد، ضمن
 محکوم نمودن مبارزات تاریخی خلقهای مبارز ایران از آنجا که -
 نسبت به جناح دارو دسته "شاه سیاستهای مبدوراند پشانه" و
 به همان اندازه موزیانه تری را پیشنهاد می کند طرحهای -
 پیشگیرانه و ضد انقلابی خود را حول ضرورت باز نمودن فضای
 سیاسی "و ایجاد محیط آزادی و تحول دموکراتیک" مطرح ساخت
 ولی این ارگانهای خائن حزب فاشیستی رستاخیز هنوز در مرحله
 بررسی و تنظیم طرحهای توطئه گرانه خود بودند که موج جدید
 و عظیم دیگری از مبارزات و اعتراضات قهر آمیز و تاریخی شما
 مردم مبارز ایران بحرکت درآمده شدت و قاطعیت این مبارزات
 بحدی بود که این توطئه ها را در همان مراحل اولیه نقش
 بر آب ساخت. با به خروش در آمدن این موج جدید که از واسطه

ارد بیست ماه گذشته در سراسر ایران بحرکت در امد بار دیگر
 ارگانهای وابسته به امیرالایم بتکاپو افتادند تا نقشه های -
 توطئه گرانه تازه ای برای فرونشاندن و بنابود یکسانیدن جنبش
 دموکراتیک و حقی طلبانه خلقهای تحت ستم ایران طرح ریزی
 نمایند . این بار رژیم خائن شاه طرحهای پوشگیوانه گذشته را
 در ابعاد پیچیده و گسترده تر از سابق همزمان در زمینه
 مختلف به جلو می برد . از یکطرف با انتشار اعلامیه جدیدی
 از طرف دولت مبارزین و مخالفین پیکر را تهدید به اعمال -
 خشونت خشن تر و سرکوب وسیع و جنایت بارانتری می نماید و
 از طرف دیگر با عوامل و عناصر سازشکاری که در لباس دفاع از -
 منافع توده های خلق رذیلانه خود را در صفوف مبارزین واقعی
 جا کرده اند وارد زد و بند و معامله برای به سازش و تسلیم
 کشاندن جنبش شده است.

شاه خائن در مصاحبه مطبوعاتی خود که در ۲۴ اردی-

بهشت ماه گذشته از طریق ارگانهای تبلیغاتی منتشر شد با —
 بیشترین تمام چنین ادعا کرد که گویا در ایران نه تنها آزادی و
 دموکراسی وجود دارد بلکه حد و مرز آن بقدری وسیع و گسترده
 است که میزان مجازات مخالفین رژیم در مقایسه با موارد مشابه
 در کشورهای دموکراتیک ضعیف تر نیز می باشد . شاه در جلسه
 ای علناً اعتراف نمود که به عمال و مزدوران خود بطور صریح —
 دستور داده که میزان مجازاتها را شدید تر نمایند . با اشاره
 به اعلامیه اخیر دولنگف که از فعالیت مخالفین با سختی جلوی
 گیری خواهد شد . برآستی که توده های زحمتکش ایران از این
 رژیم محکوت اربابان امپریالیستی او (. . .) برای بسازش و انحراف
 کشاندن جنبش بکار گرفته است این است که با خریدن بعضی از
 رهبران سازشکار و تعلیم طلب جنبش انقلابی خلقهای مبارز ایران
 را به سازش و شکست بکشاند . این عناصر خود فروخته و متزلزل
 برآنند که جنبش را وثیقه معامله برای رسیدن به اهداف و

منافع شخصی و قشری خود قرار دهند . از این رو همه عناصر و نیروهای آگاه جامعه باید در این شرایط حساس با هوشیاری تمام علیه آن کسانی که در لباس دفاع از منافع مردم می‌خواهند از طریق (.....) و زد و بند با هیئت حاکمه از پست به خلسق مبارز ایران خنجر بزنند شدیداً مبارزه کنند . باید در اینجا و آنجا افراد پلید و رهبران سیاسی آنها را افشا و طرد نمود . اکسون با برکناری عبدالمجید مجیدی و انصاری هماهنگ — کنندگان جناحهای پیشرو و سازنده حزب فاشیستی رستاخیز هم چنین نصیری خائن و مزدور در سمت ریاست سازمان امنیت * رژیم ضد خلقی وابسته ایران زمینه‌های مناسب برای انجام — مانورها و طرحهای توطئه گرانه جدید خود را فراهم می‌سازد . رژیم می‌کوشد تا بلکه به این ترتیب شدت خشم و نفرت توده های مبارز را فرو نشاند و از طریق زد و بند با سازشکاران و تسلیم طلبان کج‌نشین انقلابی را به انحراف و شکست بکشانند .

هموطنان مبارز در این شرایط که رژیم ارتجاعی و -
 خائن حاکم در ایران میکوشد که با طرح ریزی توطئه ها و نقشه
 های دقیق جنبش دموکراتیک و انقلابی ما را از طی مسیر صحیح و
 بالقوه خود منحرف سازد میباید صفوف خود را متشکک کرده و
 (.....) و آنها را از قابلیت سازماندهی خلق و رهبری بهتری
 برخوردار کرده و (.....)
 محل هائیکه با علت (.....) مشخص شده اند
 قابل شنیدن نبوده است.

« هیچ چیز ساده لوحانه ترویجی شرترا از این نیست که سعی شود شرایط یا موادی طرح گردد که با وجود اجرای آنها ممکن باشد دموکراسی پیرووازی را دوست بی رویای مردم محسوب نمود. تنها پسرولتاریاست که میتواند مبارز پیگیر راه دموکراتیسم باشد. او تنها وقتی میتواند مبارز پیروزنده دموکراتیسم باشد که توده دهقانی نیز به مبارزه انقلابی وی بپیوندد. اگر نیروی پسرولتاریا برای این کار کفایت نکند آنگاه پیرووازی در رأس انقلاب دموکراتیک قرار خواهد گرفت و جنبه ناپیگیر و خود غرضانه ای به آن خواهد داد. برای جلوگیری از این امر وسیله دیگری جز دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پسرولتاریا و دهقانان وجود ندارد. »

لنین

تکثیر از:

شورای عموم دانشجویان ایران